

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا

وقتی نزد آنان بازگردید، در برابر شما عذر تراشی می‌کنند. بگو: عذر نیاورید (که سخنان)

لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ آخِبَارِكُمْ وَ سَيَرَى

شما را باور نخواهیم کرد. خداوند، برخی از اخبار شما را به اطلاع ما رسانده است، و قطعاً

اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ

خدا و پیامبرش، کار شما را خواهند دید. سپس به پیشگاه (خدا) دانای پنهان و آشکار

وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٤﴾ سَيَحْلِفُونَ

ببازگردانده می‌شوید؛ آنگاه شما را از کارهایتان آگاه می‌کند. ۹۴ به زودی وقتی نزدشان

بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا

بازگردید، برایتان به خدا سوگند می‌خورند تا از (تو بیخ) آنان صرف نظر کنید. پس شما (نیز) از (نزدیک

عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَا وَنَهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا

شدن به) آنان صرف نظر کنید؛ زیرا آنان پلید و آلوده‌اند. جایگاه‌شان جهنم است تا کیفری باشد در برابر

يَكْسِبُونَ ﴿٩٥﴾ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضُوا عَنْهُمْ فَإِنْ

آنچه که به دست می‌آورند. ۹۵ برایتان سوگند می‌خورند تا از آنان خشنود شوید. پس اگر (شما هم)

تَرْضُوا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

از آنان خشنود شوید، (باز هم به حالشان سودی ندود؛ زیرا) خداوند از مردم نافرمان خشنود نمی‌شود.

﴿٩٦﴾ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا

۹۶ کفر و نفاق بادیه‌نشینان، بیشتر (از دیگران) است، و (آنان) به ندانستن حدود و مرزهایی که خداوند

حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩٧﴾ وَ مِنْ

بر پیامبرش نازل کرده، سزاولو ترند. (آری) خداوند، بسیار دانا و حکیم است. ۹۷ در میان بادیه‌نشینان،

الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَ يَتَرَبَّصُّ بِكُمْ

کسانی هستند که هزینه‌هایشان (در راه خدا) را ضرر و زیان بر می‌شمرند و چشم به راه پیشامدهای ناگوار برای

الدَّوَائِرِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوِّءِ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٩٨﴾ وَ مِنْ

شما هستند. حادثه‌ی ناگوار، به خودشان برسد. خداوند، بسیار شنوا و داناست. ۹۸ (در مقابل،) در میان بادیه‌نشینان،

الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَتَّخِذُ

کسانی (دیگر) هستند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و هزینه‌هایشان (در راه خدا) و دعا‌های خیر پیامبر را

مَا يُنْفِقُ قُرْبًا عِنْدَ اللَّهِ وَ صَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَّا إِنَّهَا قُرْبَةٌ

(که در پی آن هزینه‌هاست)، وسیله‌ی تقرب به پیشگاه خدا بر می‌شمرند. آگاه باشید که این‌ها موجب تقرب‌شان

لَهُمْ سَيَدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩٩﴾

خواهد بود. به‌زودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد کرد؛ چرا که خداوند، بسیار آمرزنده و مهربان است. ۹۹

۹۵. از هم‌نشینی با مردگان بپرهیزید!؛ پس از بازگشت لشکر اسلام از تبوک، منافقانی که با بهانه‌های بی‌اساس از شرکت در جهاد طفره رفته بودند، با سرزنش شدید مسلمانان روبه‌رو شدند. از این رو با ذلت و خواری سوگند دادند که مسلمانان از توبیخ و سرزنش آنان دست بردارند. خداوند نیز به مسلمانان دستور داد که با منافقان کاری نداشته باشند؛ البته نه برای این‌که آن‌ها چنین تقاضایی کرده بودند؛ بلکه بدین علت که آنان آن‌قدر بی‌ارزش‌اند که حتی نباید با ایشان هم‌کلام شد. نکته‌ی جالب توجه این‌که آیه در مورد دلیل بی‌توجهی مسلمانان به منافقان می‌فرماید: ﴿أَتَمَّ رَجْسٌ﴾؛ یعنی آنان پلید هستند. گویی خداوند نمی‌خواهد چیزی از کثیفی و ناپاکی منافقان بی‌ایمان به مؤمنان پاك برسد؛ زیرا نشست و برخاست با افراد آلوده، کم‌کم باعث آلودگی انسان می‌شود. این جمله به اصل مهم تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در روابط انسان‌ها اشاره می‌کند. قرآن کریم و پیشوایان دین، بر انتخاب دوست و هم‌نشین خوب و دوری از دوستی و معاشرت با افراد آلوده تأکید فراوانی کرده‌اند. در روایتی می‌خوانیم که پیامبر ﷺ به مسلمانان فرمود: «چهار چیز، دل و جان انسان را به تباهی می‌کشانند. یکی از آن‌ها، هم‌نشینی با مردگان است.» آنان عرض کردند: «ای پیامبر خدا، منظور از هم‌نشینی با مردگان چیست؟» حضرت فرمود: «منظور، هم‌نشینی با کسانی‌ست که راه ایمان را گم کرده و از احکام خدا منحرف شده‌اند.» در روایت دیگر از پیامبر گرامی می‌خوانیم: «فرزانه‌ترین مردم، کسی‌ست که از [هم‌نشینی با] مردم نادان فرار کند.» در حدیث دیگر می‌خوانیم که حواریون به حضرت عیسیٰ علیه السلام عرض کردند: «ای روح‌الله، با چه کسی نشست و برخاست کنیم؟» او فرمود: «با کسی که دیدنش شما را به یاد خدا بیندازد و صحبت کردنش بر علم و دانش شما بیفزاید و رفتار و کردارش شما را به آخرت [و بهشت] تشویق کند.» آری، تأثیرپذیری از هم‌نشین آن‌قدر اهمیّت دارد که پیامبر گرامی ما فرموده است: «انسان بر اساس دین و راه و رسم دوست و هم‌نشین‌اش زندگی می‌کند.»

وَالسَّابِقُونَ الْأَوْلَىٰ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ وَالَّذِينَ
 اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ

پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که از آن (پیشگام)ها با کلهای نیک پیروی کردند، در حالی که کلهای
 نیکو می‌کردند، خدا از آنان راضی است، و آنان (نیز) از خدا راضی‌اند، و (همو) برایشان باغهایی (از بهشت) آماده

جَنَّتْ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ
 كَرْدِه است که از زیر (درختان) آن، نهرهایی جاریست (و) همیشه در آن خواهند ماند. این نجات و پیروزی بزرگ

الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ وَ مِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنْفِقُونَ وَمِن

است. ۱۰۰ برخی از بادیه‌نشینانی که اطراف شما هستند، و بعضی از اهل مدینه، منافق‌اند. سخت به نفاق و
 أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَىٰ النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ
 دورویی خو گرفته‌اند (و در آن زبردست شده‌اند). تو، آنان را نمی‌شناسی؛ (ولی) ما، آنان را می‌شناسیم.

سَعَدِبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾

به‌زودی آنان را دو بار عذاب خواهیم کرد؛ آنگاه به عذابی بزرگ بازگردانده می‌شوند. ۱۰۱ برخی دیگر
 وَعَاخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَعَاخِرَ
 (از مسلمانان)، به گناهان‌شان معترف‌اند. کلهای خوبی (دارند که آن‌ها) را با کلهای بد دیگری به هم

سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠٢﴾ خُذْ

آمیخته‌اند. امید است که خدا توبه‌ی آنان را بپذیرد؛ زیرا خداوند، بسیار آمرزنده و مهربان است. ۱۰۲ از اموال
 مِّنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ
 آنان زکاتی بگیر؛ که به وسیله‌ی آن پاکشان می‌کنی و آنان را رشد می‌دهی، و برایشان دعای کن که دعای تو

إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا

ماهیه‌ی آرامش آنان است. خداوند، بسیار شنوا و داناست. ۱۰۳ آیا ندانسته‌اند که این خداست که توبه‌ی را
 أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ
 از بندگانش می‌پذیرد (در حقیقت، او) صدقات را می‌گیرد، و این که خداوند است که بسبب توبه‌پذیری و

اللَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَىٰ اللَّهُ عَمَلَكُمْ

مهربان است— ۱۰۴ بگو: (هر کار که می‌خواهید، بکنید؛ که قطعاً خدا، پیام‌برش و مؤمنان (یعنی امامان
 وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
 معصوم)، کردار شما را می‌بینند، و به‌زودی به پیشگاه (خدای) دانای پنهان و آشکار بازگردانده می‌شوید. آنگاه

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ وَعَاخِرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ

شما را از کلهایتان آگاه می‌کند. ۱۰۵ گروهی دیگر (از آنان، کسانی هستند که) کلهشان، به فرمان (و یه‌ی)
 اللَّهُ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾

خدا و اگر خدا شده است؛ یا عذاب‌شان می‌کند، یا به آنان لطف می‌کند. خداوند، بسیار دانا و حکیم است. ۱۰۶

۱۰۵. هر کاری می‌خواهید بکنید؛ ولی...: خیابان‌های شهرتان را در نظر بگیرید و فرض کنید که در آن‌ها مشغول رانندگی هستید. خدای ناکرده تصمیم می‌گیرید که بر خلاف مقررات راهنمایی رانندگی، مرتکب تخلفی شوید و مثلاً وارد خیابان ورود ممنوع شوید؛ ولی ناگهان پلیسی را می‌بینید که خیابان را زیر نظر گرفته، یا تابلویی را می‌بینید که روی آن نوشته شده: «ترافیک این معبر با دوربین کنترل می‌شود». پس بلافاصله از آن تصمیم اشتباه منصرف می‌شوید. آری، یکی از عوامل مؤثر در پایش رفتار انسان، آگاهی از وجود افرادی است که او را زیر نظر دارند و مراقب رفتار هستند. در این مواقع، انسان از ترس جریمه و کیفر یا خجالت از آن افراد، کار بد را رها می‌کند و رفتاری صحیح از خود نشان می‌دهد. در قرآن می‌خوانیم که غیر از خداوند - که مهم‌ترین بیننده است - برخی از فرشتگان نیز اعمال انسان‌ها را زیر نظر دارند. همچنین بر اساس آیات قرآن، علاوه بر آن موجودات ناپیدا، انسان‌های والامقامی از اعمال ما اطلاع دارند. به فرموده‌ی این آیه، پیامبر ﷺ و برخی از مؤمنان، اعمال مردم را مشاهده می‌کنند. بر اساس روایات معصومین علیهم‌السلام - که معنای آیات قرآن را به خوبی می‌دانند - منظور از این افراد باایمان، «امامان دوازده‌گانه» است.

بنا بر روایات، اعمال همه‌ی انسان‌ها در هر شب و روز، به پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام عرضه می‌شود و ایشان به طور دقیق از کارهای مردم مطلع می‌شوند. در روایت تکان‌دهنده‌ای می‌خوانیم که امام صادق علی‌السلام از اطرافیان خود پرسید: «چرا پیامبر ﷺ را ناراحت می‌کنید؟» کسانی که در خدمت امام علی‌السلام بودند، گفتند: «چگونه او را ناراحت می‌کنیم [در حالی که پیامبر در میان ما نیست]؟» امام فرمود: «آیا نمی‌دانید که کارهای شما به او عرضه می‌شود، و هنگامی که او گناهی را در میان آن‌ها می‌بیند، غمگین می‌شود؟ بنابراین [با کارهای بد] پیامبر خدا را ناراحت نکنید و [با کارهای خوب] او را خوشحال کنید.» بر اساس روایتی از امام رضا علی‌السلام، در می‌یابیم که پیشوایان دین با توجه به آگاهی از احوال شیعیانشان، برای آنان دعا می‌کنند. همچنین در روایت دیگری از امام موعود، حضرت مهدی علی‌السلام، می‌خوانیم که فرمود: «ما از اوضاع و احوال شما کاملاً آگاهی داریم و هیچ چیزی از اخبار شما از ما پوشیده نیست ... ما در رعایت حال شما چیزی کم نمی‌گذاریم و هرگز شما را فراموش نمی‌کنیم؛ که اگر چنین اتفاق بیفتد، سختی‌ها بر شما فرود می‌آید و دشمنان شما را ریشه‌کن می‌کنند.»

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ

(برخی از آنان، کسانی هستند) که برای زیان رساندن به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و انتظار و

الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ

زمینه سازی برای (حضور) کسانی که پیشتر با خدا و پیامبرش جنگیده بودند، مسجدی را انتخاب کردند و

وَلِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

قطعاً سوگند می خورند که صرفاً قصد خیر داشتیم؛ ولی خداوند گواهی می دهد که آنان یقیناً دروغ می گویند.

﴿١٠٧﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ

۱۰۷ هرگز (برای نماز) در آن (مسجد) نایست. قطعاً مسجدی که از روز اول بر پایه ی تقوا بنا شده، برای ایستادن تو (به نماز)

يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا

در آن، سزاوتر است؛ (زیرا) در آن مردانی هستند که دوست دارند (از پلیدی های جسمی و روحی) پاک شوند، و خداوند،

وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ﴿١٠٨﴾ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ

کسانی را که خواهان پاکی اند، دوست دارد. ۱۰۸ آیا کسی که بنای (مسجد) خود را بر اساس حفظ خود از (خشم) خدا و

عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ

(جلب) رضایتی (الهی) ساخته، بهتر است، یا کسی که ساختمان (مسجد) خویش را بر لپه ی پرنگاهی سست که در شرفی

عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارِهِمْ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

سقوط قرار گرفته، بنا کرده است و (عاقبت) او را در آتش دوزخ سرنگون می کند؟ (آری،) خداوند، افراد ستم کار را هدایت

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً

می کند. ۱۰۹ پیوسته آن بنایی که ساخته اند، (موجب) شک و تردیدی در دل هایشان می شود، (و این شک بر طرف نخواهد شد)؛ مگر

فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١١٠﴾

با پاره پاره شدن دل هایشان (در وقت مرگ؛ که تردیدشان به یقین تبدیل خواهد شد). (آری،) خداوند، بسیار دانا و حکیم است. ۱۱۰

﴿١١١﴾ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ

خدا از مؤمنان جان ها و اموال شان را ج به بهای این که بهشت برایشان باشد، خریده است.

بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ

(بدین صورت که) آنان در ج راه خدا می جنگند و می کشند و کشته می شوند. این وعده ی

وَيُقْتَلُونَ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

ثابت و درستی است که (خداوند) در تورات و انجیل و قرآن بر عهده ی خود گذاشته است.

وَالْقُرْآنِ ۗ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا

(آری،) چه کسی به عهدهش وفادارتر از خداست؟ پس برای داد و ستدی که

بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۗ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١١﴾

به آن دست زده اید، شاد باشید. این همان نجات و پیروزی بزرگ است. ۱۱۱

۱۰۷ تا ۱۰۹. مسجد بهشتیان؛ مسجد دوزخیان: پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، گروهی از مسلمانان، در سرزمین قبا - در نزدیکی مدینه - مسجدی را ساختند و از پیامبر ﷺ تقاضا کردند که به آنجا تشریف آورده، در آن مسجد نماز گزارد. آن حضرت نیز دعوت آنان را پذیرفت و آن مسجد را متبرک کرد. پس از این ماجرا، گروهی از منافقان که به سازندگان باخلاص مسجد قبا حسادت می‌ورزیدند، به بهانه‌ی این‌که افراد پیر و از کار افتاده توانایی آمدن به مسجد پیامبر را ندارند، از آن حضرت اجازه‌ی ساختن مسجدی را برای آن افراد ناتوان گرفتند و سپس از ایشان خواستند که به آنجا تشریف آورده، نماز گزارد. پیامبر ﷺ به آنان اجازه‌ی ساخت داد و چون برای جنگ عازم تبوک بود، به آنان فرمود که پس از بازگشت، در مسجد ایشان نماز خواهد خواند. حقیقت این بود که منافقان با بنای آن مسجد، از یک سو درصدد ساختن پایگاهی برای شورش بر ضد حکومت اسلامی بودند و از سوی دیگر می‌خواستند با جمع شدن در آنجا، مسجد پیامبر ﷺ و مساجد دیگر - مانند مسجد قبا - را از رونق بیندازند و میان مسلمانان تفرقه ایجاد کنند. پس از بازگشت پیامبر ﷺ از تبوک، منافقان نزد آن حضرت آمدند و تقاضایشان را برای حضور ایشان در مسجد خود تکرار کردند؛ اما پیامبر ﷺ از طریق وحی باخبر شد که این ماجرا توطئه‌ای حساب شده برای تضعیف اسلام و براندازی آن است. به همین سبب، گروهی از مسلمانان را مأمور کرد که آن مسجد را ویران کرده، به محلّ نگهداری زباله تبدیل کنند. داستان آن مسجد - که بعدها به «مسجد ضرار» معروف شد - یکی از حوادث عبرت‌آموز تاریخ اسلام است. آن ماجرا به مسلمانان آموخت که باید چشمان خود را باز کنند و فراتر از ظاهر اتفاقات، پشت پرده‌ی آن‌ها را نیز تحلیل کنند؛ همچنین فریب دشمنانی را نخورند که در لباس دین، قصد نابودی آن را دارند. آن اتفاق به همگان آموخت که محلّ توطئه و تفرقه‌اندازی، محلّ ناپاک و آلوده است و تفاوتی با زباله‌دان ندارد؛ هر چند به آن «مسجد» گفته شود. از سوی دیگر، مسلمانان فهمیدند که مسجد حقیقی - که مهم‌ترین پایگاه امت اسلامی است - چه ویژگی‌هایی دارد. بر اساس آیه‌ی ۱۰۹، یک کانون مثبت و فعال دینی، دارای دو ویژگی اساسی است: نخست این‌که از ابتدا بر اساس صداقت و تقوا بنا شود و هدف از احداث آن، بندگی خدا و اجرای احکام اسلام باشد. دوم این‌که حامیان و پاسدارانش، افرادی پاک و درست‌کار و باایمان باشند. بدین ترتیب، هم انگیزه‌ی بنای مسجد و هم انگیزه‌ی مردم حاضر در آن باید پاک و مقدّس باشد. آنگاه چنین مسجدی، سزاوار زیارت قدوم پاک پیامبر اسلام ﷺ است، و اگر در زمان حیات آن بزرگوار نباشد، سزاوار لطف و توجه معنوی آن مرد آسمانی‌ست.

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاعِدُونَ

(آن مؤمنان،) همان توبه‌کنندگان، عبادت‌کنندگان، ستایشگران، روزه‌داران،

الزَّائِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمِيرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، آنان که به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناشایست

وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ

نهی می‌کنند و مرزهای (حلال و حرام) خدا را حفظ می‌کنند، (مؤمنان راستین‌اند، و (ای پیامبر،)

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۲﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ

به مؤمنان بشارت ده. ۱۱۲ سزاوار نیست هیچ پیامبری و (نیز) افراد

يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ

باایمان پس از آن که برایشان روشن شد که مشرکان اهل دوزخ‌اند، برایشان

مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۱۱۳﴾ وَمَا كَانَتْ

آمرزش بخواهند؛ هر چند آنان خویشتان‌شان باشند. ۱۱۳ استغفار ابراهیم برای

اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا

پدرش صرفاً به سبب وعده‌ای که به او داده بود، انجام شد؛ ولی زمانی که برای او روشن شد که پدرش

تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ

دشمن خداست، (به‌کلی) با او قطع رابطه کرد. به‌یقین ابراهیم بسیار اهل تضرع و (شخصی) بردبار

حَلِيمٌ ﴿۱۱۴﴾ وَمَا كَانَتْ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ

بود. ۱۱۴ خداوند قصد ندارد عده‌ای را پس از این که هدایت‌شان کرد، گمراه کند؛ تا این که کله‌هایی را

حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۱۵﴾

که باید خود را از (شر) آن حفظ کنند، برایشان توضیح دهد. (اگر پس از آن بی‌توجهی کردند، سزاوار گمراه

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ

شدن خواهند شد)؛ زیرا خداوند از همه چیز به‌خوبی آگاه است. ۱۱۵ خداوند است که فرمان‌روایی آسمان‌ها

وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۱۱۶﴾ لَقَدْ تَابَ

و زمین، ویژه‌ی اوست. زنده می‌کند و می‌میراند، و شما چیز خدا هیچ سرپرست و یآوری ندارید. ۱۱۶ قطعاً

اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ

خداوند بر پیامبر و مهاجران و انصار لطف و عنایت کرد؛ همان‌ها که در آن لحظه‌ی دشواری، پس از آن که

فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ

نزدیک بود دل‌های برخی از ایشان (از پیروی از پیامبر) منحرف شود، از او پیروی کردند. آنگاه (خداوند) به

مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَعُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۱۷﴾

آنان لطف و عنایت کرد (و راهنماییشان کرد)؛ زیرا او به آنان بسیار رؤوف و مهربان است. ۱۱۷

۱۱۱ و ۱۱۲. پادشاه جهاد و ویژگی‌های مجاهدان حقیقی: بدون شک یکی از سخت‌ترین کارها در میان دستورهای اسلامی، «جهاد و مبارزه با دشمنان دین» است. جهاد، صحنه‌ی عجیبی است که در آن، مهم‌ترین سرمایه‌ی انسان یعنی جان او در خطر می‌افتد، و معرکه‌ای است که شاید هیچ بازگشتی از آن وجود نداشته باشد. به همین سبب، جهاد در راه خدا، از ارزشمندترین اعمال است و بیشترین پاداش‌ها را به خود اختصاص داده است. پیامبر گرامی ما فرموده است: «برترین کارها، سخت‌ترین آن‌هاست.»

پیشوای نخست ما علی رضی الله عنه نیز در سخنی گران‌قدر فرموده است: «جهاد، دری از درهای بهشت است که خدا آن را برای دوستان ویژه‌ی خود گشوده است.» خداوند در قرآن، مردم را به جهاد دعوت می‌کند و به یاد آنان می‌آورد که این کار - با همه‌ی دشواری‌هایش - به سود خود آن‌هاست. در آیه‌ی ۴ سوره‌ی محمد صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «اگر خدا می‌خواست، بدون فرمان جهاد، خودش از کافران انتقام می‌گرفت؛ ولی به جنگ فرمان داد تا برخی از شما را به وسیله‌ی برخی دیگر بیازماید، و کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده‌اند، خدا پاداش کارهایشان را از بین نمی‌برد و به طور کامل به آنان خواهد داد.» در این آیات نیز خدا می‌فرماید که حقیقت جهاد و گذشتن از مال و جان - هرچند در ظاهر تلخ و دشوار باشد - دست زدن به پرسودترین معامله‌ی زندگی است. در این معامله، خدایی که خود جان و مال انسان را به او بخشیده، آن را به قیمت بسیار زیادی خریده و بهشت جاودان و نعمت‌های بی‌پایان خود را بهای آن قرار داده است. نکته‌ی مهم این است که در این معامله، فروشنده باید ویژگی‌های خاصی را داشته باشد، و بدون داشتن آن‌ها نمی‌تواند صاحب بهای ارزشمند معامله شود. ویژگی‌های مهم مجاهدان حقیقی، در آیه‌ی ۱۱۲ بدین صورت بیان شده است: ۱- اهل توبه، عبادت و راز و نیاز با خدا هستند ﴿التَّائِبُونَ﴾؛ ۲- با دل و زبان‌شان خدا را سپاس می‌گویند و در هر حالت، او را می‌ستایند ﴿الْحَامِدُونَ﴾؛ ۳- در مساجد حضور پیدا می‌کنند و با محیط‌های گوناگون دینی ارتباط دارند ﴿السَّاجِدُونَ﴾؛ ۴- بدن‌هایشان در برابر خدا خاضع و فروتن است و بسیار نماز می‌خوانند و برای خدا به رکوع و سجده می‌روند ﴿الرُّكَّعُونَ السُّجِدُونَ﴾؛ ۵- در قبال اوضاع دینی و فرهنگی جامعه‌ی خود، بی‌تفاوت نیستند و با روش‌های مناسب و اخلاق نیکو، مردم را به کارهای خوب تشویق می‌کنند و از کارهای بد، نهی می‌کنند ﴿الْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾؛ ۶- مهم‌ترین دغدغه‌ی آنان، انجام وظایف دینی‌شان است و در امور فردی و اجتماعی، به دستورهای خدا پای‌بندند ﴿الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ﴾. آری، از نظر قرآن، جهادگر حقیقی، کسی است که چنین صفاتی داشته باشد و در صورت لزوم، در میدان جهاد شرکت کند. اگر اما برای چنین افرادی، ضرورت حضور در میدان جنگ پیش نیامد، بی‌شک باز هم پاداش جهادگران را دریافت خواهند کرد. امیر مؤمنان علی رضی الله عنه در سخن گهرباری فرموده است: «هر کس از شما که در بستر خویش جان دهد، در حالی که می‌داند پروردگارش و پیامبر خدا و اهل‌بیتش چه حق و حقوقی بر گردن او دارند، شهید مرده است و پاداشش بر عهده‌ی خداست و سزاوار گرفتن ثواب کارهای خوبی‌ست که نیت انجام آن‌ها را داشته [و نتوانسته است انجام دهد] و نیتش به جای شمشیر کشیدن او در میدان جنگ خواهد بود (و خدا همان پاداش را به او خواهد داد).»

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ

(و نیز) به آن سه نفر (لطف و عنایت کرد)؛ همان‌ها که (به علت بی‌تفاوتی‌شان، از همراهی در جهاد) جا گذاشته شدند
بِمَا رَحُبَّتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّمْ يَلْجَأَ

(و همه آنان را طرد کردند). پس هنگامی که زمین با همه‌ی وسعتش بر آنان تنگ شد و از خود به تنگ آمدند و یقین
مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ تُمَرَّتْ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ

کردند که جز نزد خدا هیچ پناهگاهی در مقابل (خشم) او وجود ندارد، آنگاه خدا به آنان لطف و عنایت کرد تا آنان
التَّوَّابِ الرَّحِيمِ ﴿۱۱۸﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا

توبه کنند؛ زیرا این خداست که بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. ۱۱۸ ای مسلمانان، خود را از (خشم) خدا در امان
مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿۱۱۹﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَن حَوْلَهُمْ

نگه دارید و همراه راستگویان باشید. ۱۱۹ اهل مدینه و عرب‌های صحرانشینی که اطراف آنان
مِنَ الْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا

هستند، حق ندارند از (همراهی با) پیامبر خدا باز ایستند، و نباید (حفظ) جان خودشان را بر
بِأَنْفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ

(حفظ) جان او ترجیح دهند. این (فرمان)، بدان سبب است که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی‌ای
وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا

در راه خدا به آنان نمی‌رسد و به هیچ مکانی که خشم کفار را برمی‌انگیزد، پا نمی‌گذارند و از
يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِن عَدُوٍّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمُ

دشمن هیچ چیزی (مثل کشته، اسیر، مجروح و غنیمتی) نمی‌گیرند؛ مگر این که به سبب آن،
بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۲۰﴾

کاری شایسته برایشان نوشته می‌شود؛ زیرا خداوند، پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. ۱۲۰
وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ

و هیچ مال اندک یا زیادی را (در راه خدا) هزینه نمی‌کنند و هیچ سرزمینی را نمی‌پیمایند؛ مگر این که برایشان
وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا

(کار شایسته‌ای) نوشته می‌شود. هدف این است که خداوند آنان را به بهترین کاری که می‌کنند،
يَعْمَلُونَ ﴿۱۲۱﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً

پاداش بدهد. ۱۲۱ هرگز شایسته نیست که همه‌ی مؤمنان (برای جهاد، از مدینه) خارج شوند. چرا
فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ

از هر دسته از آنان، یک گروه (به سوی پیامبر) خارج نمی‌شوند تا در دین آگاهی پیدا کنند، و هنگامی که
وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿۱۲۲﴾

نزد قوم خود بزمی می‌گردند، آنان را (از عذاب الهی) هشدار دهند؟ باشد که (از مجازات خدا) بترسند. ۱۲۲

۱۲۲. محافظان مرزهای ایمان: همان‌طور که در صفحات گذشته خواندیم، پس از بازگشت لشکر اسلام از جنگ تبوک، خداوند منافقانی را که بدون عذر از شرکت در جنگ سر باز زده بودند، به باد ملامت گرفت و آنان را به شدت توبیخ کرد. این برخورد، افراد باایمان را بیش از گذشته به شرکت در تمام جنگ‌ها واداشت تا مبادا از ننگ منافقان، چیزی به ایشان برسد. از همین رو، حتی در مواردی که پیامبر ﷺ در جنگ شرکت نمی‌کرد و در مدینه حضور داشت، همه‌ی مسلمانان به میدان جهاد می‌رفتند و اطراف پیامبر ﷺ را خالی می‌گذاشتند. در این احوال، خداوند این آیه را نازل فرمود و به مسلمانان یادآوری کرد که اگرچه شرکت در میدان جهاد بسیار مهم است، فراگیری حقایق دینی و علوم اسلامی از پیامبر ﷺ نیز اهمیت دارد و نباید تمام مسلمان‌ها یکباره به سوی میدان‌های جنگ حرکت کنند؛ بلکه گروهی از آنان از هر آبادی و شهری باید نزد پیامبر ﷺ روند و با مسائل دینی خود آشنا شوند، و هنگامی که به شهر خویش بازگشتند، مردم را از دستورهای اسلام آگاه کنند. رعایت این مطلب نه‌تنها در دوران حیات پیامبر ﷺ، بلکه در هر زمانی ضرورت دارد. پس لازم است که در هر عصری، گروهی از مسلمانان به مراکز علوم اسلامی بروند و پس از آشنایی با تعالیم دین، به سرزمین خود بازگشته، مردم را با آن آشنا کنند. از این رو در سخنان پیشوایان دین، تأکید فراوانی بر آموختن علوم اسلامی و یاد دادن آن به دیگران شده، و برای کسانی که در این مسیر مقدس گام می‌نهند، پاداش فراوانی مشخص شده است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «شیعیان دانشمند ما، مرزدارانی هستند که در مواقع حساس، به دفاع از دین خدا برمی‌خیزند و از حمله‌ی شیطان و دار و دسته‌اش به شیعیانی که در علوم دینی ضعیف‌اند، جلوگیری می‌کنند و نمی‌گذارند که شیطان و پیروانش - که دشمن ما اهل‌بیت هستند - بر آنان مسلط شوند. آگاه باشید هر کس از شیعیان ما به چنین وظیفه‌ی مهمی مشغول شود، هزار هزار بار از کسانی که با دشمنان ظاهری می‌جنگند، برتر است؛ زیرا این‌ها از دین دوستداران ما محافظت می‌کنند و آنان از بدن‌های ایشان.» در روایت زیبایی از امیرالمؤمنین علیه السلام که توصیه‌هایی به فرزندش محمد حنفیه درباره‌ی ارزش و اهمیت دانشمندان علوم دینی‌ست، چنین آمده است: «احکام دین را دریاب؛ چرا که فقیهان در دین، وارثان پیامبران‌اند... و بدان که آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای کسی در پی فراگیری دانش است، طلب آموزش می‌کنند؛ حتی پرندگان آسمان و ماهی‌های دریا.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ

ای مسلمانان، با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، بجنگید، و باید در

وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

شما قاطعت و صلابت بیابند، و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.

﴿۱۲۳﴾ وَإِذَا مَا أَنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ آيَاتُكُم

۱۲۳ هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود، برخی از آنان می‌گویند: «این سوره بر ایمان

زَادَتْهُ هَذِهِ آيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ آيْمَانًا

کدام یک از شما افزود؟» اما کسانی که ایمان (حقیقی) دارند، بر ایمانشان افزوده شد،

وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿۱۲۴﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

و آنان شادمان هستند. ۱۲۴ اما کسانی که در دل‌هایشان بیماری (شک و نفاق)

فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ

وجود دارد، پلیدی بر پلیدی (روحی) ایشان افزوده شد، و در حال کفر خواهند مرد.

﴿۱۲۵﴾ أَوْ لَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ

۱۲۵ آیا توجه نمی‌کنند که آنان هر ساله یک یا دو مرتبه (به بیماری‌ها و خشک‌سالی و...)

مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿۱۲۶﴾ وَإِذَا مَا

امتحان می‌شوند؟ و نه توبه می‌کنند و نه پند می‌گیرند. ۱۲۶ هنگامی که

أَنْزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرِيكُمْ

سوره‌ای نازل می‌شود، برخی از آنان به بعضی دیگر نگاه می‌کنند (و می‌گویند: «آیا کسی شمارا

مِنَ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ

می‌بینند؟» آنگاه (از ترس رسوایی) باز می‌گردند. خدا دل‌هایشان را (از رحمتش) بازگرداند؛ زیرا آنان،

لَا يَفْقَهُونَ ﴿۱۲۷﴾ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ

افرادی هستند که نمی‌فهمند. ۱۲۷ به راستی پیامبری از جنس خودتان نزدتان آمده که رنج کشیدن شما

عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ

برایش دشوار است. اشتیاق شدیدی به (هدایت) شما دارد. به مؤمنان بسیار رئوف

رَعُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۲۸﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

و مهربان است. ۱۲۸ اگر پشت کردند، بگو: خدا برای من کافی است. هیچ معبودی جز

هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۱۲۹﴾

او نیست. تنها بر او توکل می‌کنم و او مالک و صاحب‌اختیار تخت (فرمان‌روایی) بزرگ است. ۱۲۹

سُورَةُ التَّوْبَةِ آيَاتُهَا ۱۰۹

۱۲۸. پیامبر رحمت: همه‌ی ما می‌دانیم که پیامبران برای اثبات حَقَّانیت خود، معجزاتی ارائه می‌کردند. پیامبر اسلام نیز معجزات متعددی به مردم نشان داد. یکی از معجزات پیامبر ﷺ که باعث ایمان آوردن بسیاری از مردم شد، اخلاق نیکوی آن حضرت بود. آن مرد آسمانی چنان خلق و خوئی داشت که هر انسان آزاده‌ای را به سوی خود می‌کشاند و او را شیفته‌ی خود می‌کرد. آری، اخلاق پیامبر ﷺ، رنگ و بوی آسمانی داشت. از همین رو خدای مهربان در آیه‌ی ۱۵۹ سوره‌ی آل‌عمران به پیامبر خود می‌فرماید: «تو، به برکت و لطف و رحمت الهی، با مردم مهربان و نرم‌خو شدی.» خداوند در این آیه نیز به همه‌ی مردم یادآوری می‌کند که چه راه‌نمای مهربان و دلسوزی برایشان فرستاده است.

ویژگی‌هایی که این آیه برای پیامبر می‌شمرد، چنین است: ۱- او از میان مردم مبعوث شده و از جنس همانان است ﴿مِنْ أَنْفُسِكُمْ﴾؛ ۲- درد آنان را می‌فهمد و از گمراهی‌شان رنج می‌برد ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ﴾. این ویژگی در وجود پیامبر ﷺ چنان نمایان بود که خداوند در آیه‌ی ۶ سوره‌ی کهف به او می‌فرماید: «گویا تو می‌خواهی به خاطر ایمان نیاوردن این کافران لجوج، خودت را از غم و اندوه هلاک کنی!»؛ ۳- او به هدایت و سعادت شما علاقه‌ی بسیار دارد ﴿حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ﴾. او کسی نبود که در جای خود بنشیند تا مردم سراغ او بیایند و راه سعادت را از او بپرسند؛ بلکه خودش همچون پزشکی دلسوز سراغ مردمی می‌رفت که از درد کفر و بی‌ایمانی و دوری از خدا رنج می‌کشیدند و به مداوای آنان مشغول می‌شد. به فرموده‌ی امام علی عليه السلام: «طیبی بود که همراه با ابزار طبابتش به این سو و آن سو سر می‌زد»؛ ۴- اگر چه او به فرموده‌ی قرآن، برای همه‌ی جهانیان مایه‌ی رحمت بود، به مردم باایمان لطف و مهربانی ویژه‌ای داشت. تاریخ زندگی پیامبر ﷺ، گویای مهربانی‌هایی‌ست که انسان آرزو می‌کند ای‌کاش در زمان او زندگی می‌کرد و از لطف بی‌کرانش بهره می‌برد. در تاریخ نقل شده که خدمت‌کارانی که در مدینه زندگی می‌کردند و نیز کودکان آن شهر دوست داشتند هر روز برای آن حضرت آب بیاورند تا ایشان دست و پای مبارک خود را در آن بشوید. آن حضرت نیز هیچ‌گاه آرزوی آنان را بی‌جواب نمی‌گذاشت و در سردترین روزهای سال نیز دست و پای خود را با آبی که آنان می‌آوردند، می‌شست تا آن افراد - که ظاهراً در جامعه جایگاهی نداشتند - احساس کنند به پیامبر خدا خدمتی کرده‌اند. آن بزرگوار اگر سه روز یکی از مسلمانان را نمی‌دید، سراغش را می‌گرفت؛ اگر به مسافرت رفته بود، برایش دعا می‌کرد، و اگر حاضر بود، به دیدارش می‌شتافت، و اگر بیمار بود، به عیادتش می‌رفت. آری، آن مرد الهی، چنان اخلاقی داشت که آفریدگار جهان لب به ستایش او گشود و فرمود: «به‌راستی که تو اخلاق بسیار نیکویی داری.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

الرَّتِّكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۱ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا

الف، لام، را. این آیات کتاب پر حکمت است. ۱ آیا برای مردم شگفت آور است که

أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا

یه مردی از جنس خودشان وحی کردیم که مردم را هشدار ده و به مؤمنان مؤذنه بده که

أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا

جایگاهی پس ندیده نزد پروردگارش خواهند داشت؟ کافران می گویند: «قطعاً این (مرد)،

لَسَجْرٌ مُبِينٌ ۲ إِنْ رَبُّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

جادوگری آشکار است. ۲ مالک و صاحب اختیار شما فقط الله است؛ همو که آسمانها و زمین را در

وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَنْ

شش دوره آفرید. آنگاه بر تخت فرمانروایی (جهان) مستقر شد. کار (جهان) را تدبیر می کند. هیچ

شَفِيعَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

شفاعت کننده ای مگر پس از اجزه ای او وجود ندارد. این است الله؛ مالک و صاحب اختیار شما

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۳ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا

بنابر این، او را بپرستید. آیا پند می گیرید؟ ۳ بازگشت همه ی شما فقط به پیشگاه اوست. قطعاً خداوند (این را)

إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

وعدده داده است و بهر استی (آن را) محقق خواهد کرد. او آفرینش را آغاز کرد و سپس (در قیامت)، آن (آفرینش)

الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ

را دوباره تکرار می کند؛ تا به کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کرده اند، عادلانه پاداش دهد.

وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۴ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ

کافران (نیز) به سزای کفرشان، نوشیدنی ای از آب جوشان و عذابی دردناک خواهند داشت. ۴ او کسی است که

ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ

خورشید را فروزان و ماه را نورافشان قرار داد و برای آن، جایگاه هایی تعیین کرد تا شمار سالها و

وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ

محاسبه ی (زمان) را بدانید. خداوند، اینها را فقط سراسر حق (و هدف دار) آفرید. نشانه های (خود) را

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۵ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ

برای افراد دانا توضیح می دهد. ۵ قطعاً در گردش پیایی شب و روز، و در آنچه خدا در آسمانها و زمین

اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ ۶

آفرید، نشانه هایی برای افرادی که خود را (از خشم خدا) حفظ می کنند، وجود دارد. ۶

۳ تا ۵. آیاتی برای خداشناسی و معادشناسی: این چند آیه، آیات بسیار مهمی است که در مورد شناخت پروردگار جهان، هدف او از آفرینش موجودات، و نمونه‌هایی از علم و قدرت بی‌پایان او سخن می‌گوید. بیشتر ما انسان‌ها چنان سرگرم امور روزانه‌ی خود - مانند درس خواندن، کار کردن و ... - هستیم که از موضوعات مهم جهان هستی غافل ایم. از همین رو خداوند پیوسته این حقایق مهم را در قرآن به ما یادآوری می‌کند. پس خوب است که ما نیز با دقت و حوصله، به برخی از این نکات که در این آیات طرح شده، توجه کنیم: آیه‌ی ۳: واژه‌ی «رب»، به معنای مالک و صاحب‌اختیار چیزی است. این آیه می‌فرماید که مالک و صاحب‌اختیار انسان‌ها، خداوند است و زندگی و مرگ و سعادت آن‌ها نیز در اختیار اوست. به همین سبب در پایان آیه می‌فرماید: «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ»؛ یعنی خدا، مالک و صاحب‌اختیار شماست؛ پس تنها او را بپرستید و برای سعادت خویش، با فروتنی از پیشگاه او کمک بخواهید. آیه‌ی ۴: این آیه به هدف آفرینش ما اشاره می‌کند. به فرموده‌ی این آیه، هدف از آفرینش جهان هستی، با همه‌ی بزرگی و شگفتی‌هایش، برپایی قیامت و رسیدن انسان به جزای اعمال خود است.

آری، تعیین سرنوشت انسان که گل سرسبد آفرینش است، مهم‌ترین هدف آفریدگار جهان از آفرینش است. این نکته، نشان‌دهنده‌ی اهمیّت بسیار زیاد زندگی ماست. این حقیقت در آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نجم نیز بدین‌صورت تکرار شده است: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است، تنها برای خداست و هدف [از آفرینش همه‌ی آن‌ها] این است که بدکاران به سبب اعمالشان کیفر ببینند و نیکوکاران به پاس کارهایشان، به نیکی پاداش داده شوند.» این آیات به همه‌ی ما یادآوری می‌کند که ارزش خود را بیشتر بدانیم و هدف اصلی‌مان را - که هدف تمام جهان آفرینش است - فراموش نکنیم. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «آیا آزادمردی نیست که این [جاذبه‌های نامشروع دنیا را که همچون پس‌مانده‌ی غذا در لابه‌لای دندان‌ها [باقی مانده] رها کند و به کسانی که سزاوار آن‌اند، واگذارد. برای جان‌های شما هیچ بهایی جز بهشت وجود ندارد؛ پس خودتان را به غیر آن نفروشید.» آیه‌ی ۵: این آیه به دو پدیده‌ی مهم جهان هستی یعنی خورشید و ماه اشاره کرده، آن‌ها را از نشانه‌های وجود خدا برمی‌شمرد و بیان می‌کند که خدا از آفرینش آن‌ها، هدف مهمی داشته است. نکته‌ی جالب توجه در این آیه، اشاره به جایگاه‌های متفاوت ماه در آسمان و اشکال گوناگون آن - از هلال تا بدر کامل - است. خدا با اشاره به این پدیده‌ی مهم بیان می‌کند که وجود این حالت‌های متفاوت، بیهوده نیست؛ بلکه یک تقویم بسیار دقیق و زنده‌ی طبیعی‌ست که هر فرد عالم یا جاهل می‌تواند آن را بخواند و حساب تاریخ کارها و امور زندگی خود را نگه دارد، و این، اضافه بر نوری‌ست که ماه به ما می‌بخشد.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا

(در برابر دعوت تو) کسانی هستند که انتظار روبه‌رو شدن با ما را ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اند.

وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غٰفِلُونَ ﴿٧﴾ أُولَٰئِكَ

و با آن آرامش یافته‌اند، و کسانی که از آیات و نشانه‌های ما غافل‌اند. چنین افرادی،

مَاؤُودُهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا

چایکاه‌شان آتش است؛ به سزای کارهایی که می‌کردند. ۸ (در مقابل) کسانی که ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ

و کارهای شایسته کردند، پروردگارشان به وسیله‌ی ایمان‌شان، آنان را هدایت می‌کند و از زیر (قصرهای) آنان در

تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّتِ التَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعَوْهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ

بهشت‌های پر نعمت، نهرهایی جاری است. ۹. نیایش آنان در آنجا این است که «خدا، تو را (از هر بدی) بسیار منزه می‌دانیم. و

اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَعَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ

در آنجا، درود (خدا بر) آنان، سلام (و اعلام امنیت کامل) است، و پایان‌بخش نیایش‌شان این است که «سپاس و ستایش، از آن

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾ وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ

خداست که مآلک و صاحب‌اختیار جهانیان است». ۱۰ اگر همان‌طور که مردم می‌خواهند در آمدن خیر و خوبی شتاب شود،

أَسْتَعْجِلَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقَضَىٰ إِلَيْهِمْ أَجْلَهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ

خدا (نیز) در آوردن شر (و عذاب) بر ایشان شتاب می‌کند، بی‌گمان هرگز شان فرامی‌رسد و (همراه با عذاب) بر آنان فرود می‌آید؛ ولی

لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ

(ما چنین نمی‌کنیم؛ بلکه) کسانی را که انتظار روبه‌رو شدن با ما را ندارند، سرگردان در سرکشی‌شان‌ها می‌کنیم. ۱۱ هنگامی که رنج و

الضَّرُّ دَعَانَا لِجَنبَةٍ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا

گرفتاری به انسان برسد، به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده، (برای برطرف شدن آن) ما را می‌خواند. پس وقتی که گرفتاری‌اش را از او

عَنْهُ ضَرَّهُ مَرَّكَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضَرِّ مَسَّهُ كَذٰلِكَ

برطرف کنیم، چنان (به راه خود) می‌رود که گویی هرگز ما را برای (برطرف کردن) هیچ گرفتاری و رنجی که به او رسیده، نخوانده است.

زَيْنَ لِلْمُسرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ

بدین‌سان، رفتار و اعمال کسانی که زیاده‌روی می‌کنند، در نظرشان آراسته شده است. ۱۲ قطعاً نسل‌های پیش از شما را هنگامی که

مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا

ستم کردند، هلاک کردیم. (این) در حالی (بود) که پیامبران‌شان معجزات

لِيُؤْمِنُوا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ

ولی آنان قصد ایمان آوردن نداشتند. (آری، این چنین، افراد گناه‌کار را کیفر می‌دهیم، ۱۳ آنگاه شما را پس از

خَلَقْنَا فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

آنان، در زمین، جانشینان (گذشتگان) قرار دادیم تا ببینیم چگونه رفتار می‌کنید. ۱۴

۱۲. انسان؛ بی‌طاقت و فراموش‌کار: قرآن کریم، برنامه‌ی زندگی انسان‌هاست و مهم‌ترین هدف از نزول این کتاب مقدس، هدایت و راه‌نمایی بشر به سعادت ابدی‌اش است. به همین سبب، قرآن بارها به نقاط ضعف انسان اشاره می‌کند و به او هشدار می‌دهد که مبدا این صفات زشت و ناپسند، در وجود او قدرت گیرد و او را از حرکت در مسیر خوشبختی باز دارد. یکی از این نقاط ضعف، کم‌طاقتی انسان در سختی‌ها، و فراموش‌کاری او در زمان راحت است؛ صفتی که بسیاری از انسان‌ها به آن مبتلا هستند و بی‌آن‌که خود بدانند، از آن رنج می‌کشند؛ زیرا دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، دنیای پستی‌ها و بلندی‌هاست و روزی به کام ما و روز دیگر به ضرر ما می‌گذرد. مشاهده‌ی زندگی انسان‌ها و شادمانی‌هایی که از به دست آوردن چیزهای دوست‌داشتنی می‌کنند، یا اشک‌هایی که به علت از دست دادن آن‌ها می‌ریزند، بزرگ‌ترین دلیل این حقیقت است. شاید خود ما افرادی را دیده باشیم که به طور معمول به دین و دستورهای خداوند توجهی ندارند؛ ولی با بروز مشکلی در زندگی‌شان، به درگاه خدا رو آورده، با التماس و زاری از او می‌خواهند که مشکلمان را حل کند. اینان برای نیل به مقصودشان، گاهی به مسجد می‌روند و گاهی به امامان و امامزادگان توسل می‌کنند؛ اما پس از این‌که خدا مشکل آنان را برطرف کرد، به کلی فراموش می‌کنند که چه روزگار سختی را پشت سر گذاشته‌اند و چه کسی گرفتاریشان را حل کرده است، و بی‌اعتنا به خدا و دستورهای او، با غرور و تکبر به زندگی آلوده‌ی خویش ادامه می‌دهند. خدای بزرگ بارها به این خصلت بد اشاره کرده و بیان فرموده که این صفت، مایه‌ی نابودی کامل انسان می‌شود.

در آیه‌ی ۸ سوره‌ی زمر می‌خوانیم: «هنگامی که به انسان زبانی برسد، پروردگار خود را می‌خواند و به سوی او باز می‌گردد؛ اما هنگامی که خدا نعمتی را به او بخشید، مشکلاتی را که پیشتر برای برطرف شدنش از خدا تقاضا می‌کرد، فراموش می‌کند و برای خدا همتیانی قرار می‌دهد تا دیگران را نیز همراه کند. [ای پیامبر، به چنین افرادی] بگو: اندکی با ناسپاسی خود سپری کنید؛ که سرانجام از دوزخیان خواهید شد.» از این رو قرآن و پیشوایان دین به ما توصیه کرده‌اند که نه تنها در هنگام مشکلات، که در زمان راحت و خوشی نیز خدا را فراموش نکنیم و پیوسته او را برای نعمت‌های بی‌پایانش شکر کنیم و به یاد داشته باشیم که بودن یا نبودن نعمت‌ها، امتحان خداست که در برابر آن باید شکر یا صبر کرد. در روایت زیبایی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «سه چیز است که با وجود آن‌ها، چیز دیگر نمی‌تواند به سعادت انسان آسیب برساند: ۱- دعا در هنگام سختی و گرفتاری؛ ۲- استغفار و طلب بخشش در هنگامی که گناهی از انسان سر می‌زند؛ ۳- شکر و سپاس خدا در هنگام نعمت و خوشی.»

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

هنگامی که آیات ما، در حالی که روشن و واضح است، بر آنان خوانده می‌شود، افرادی که انتظار روبرو شدن

لِقَاءَنَا آتٍ بِقُرْءَانٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي

با ما را ندارند، می‌گویند: «مطلبی خواندنی غیر از این (قرآن) را بیاور یا آن را تغییر بده.» بگو: «من حق (و

آن) ابدلش از من تلقای نفسی، ان اتبع إلا ما يوحى إليّ

توان) تغییر آن را از طرف خودم ندارم. من فقط از آنچه که به من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم. اگر من در

إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ قُلْ لَوْ

برابر پروردگرم نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم.» ۱۵ بگو: «اگر خدا می‌خواست، آن را برایتان

شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ

می‌خواندم و (خدا به واسطه‌ی من،) شما را از آن آگاه نمی‌کرد؛ چرا که پیش از این، مدت‌ها در میان‌تان زندگی

فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ

کرده‌ام) و هرگز چنین سخنانی از من سراغ نداشته‌اید. آیا عقل خود را به کار نمی‌گیرید؟ ۱۶ چه کسی

مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ

ستم‌گراتر است از آن که بر خدا دروغ بزند، یا آیات و نشانه‌هایش را دروغ بشمارد؟ (آری،) واقعیت این است

لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ

که گناه‌کاران به هدف خود نمی‌رسند.» ۱۷ به جای خداوند، چیزهایی را می‌پرستند که نه زبانی

مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا

به آن‌ها می‌رساند و نه سودی برایشان دارد، و می‌گویند: «اینان، شفیعان ما نزد خدا هستند.» بگو:

عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ

«آیا خدا را از چیزی آگاه می‌کنید که (خود) در آسمان‌ها و زمین از (وجود) آن بی‌اطلاع است؟! او

وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾ وَمَا كَانَ

بسیار منزّه و برتر از شرک‌ورزی آنان است.» ۱۸ (پیش از نوح،) مردم فقط یک گروه بودند؛ ولی دچار

النَّاسِ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ

اختلاف شدند، و اگر سخنی از سوی پروردگارت نبود که پیشتر (در بله‌ی تأخیر عذاب تا قیامت) صادر

سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

شده است، بی‌گمان میان‌شان در بله‌ی آنچه که در آن (با هم) اختلاف دارند، دآوری می‌شد.

﴿١٩﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا

۱۹ می‌گویند: «چرا معجزه‌ای از سوی پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟» بگو: «غیب فقط

الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾

از آن خداست. پس منتظر (عذاب) باشید؛ که من (نیز) همراه شما منتظر هستم.»

۲۰. امور غیبی فقط به دست خداست: هر پیامبری برای اثبات این که از سوی آفریدگار مأموریت داشته، کار فوق‌العاده‌ای را برای مردم انجام داده تا آن‌ها سخن او را باور کنند. به این کار فوق‌العاده که دیگران از انجام آن عاجز و ناتوان‌اند، «معجزه» گفته می‌شود. همه‌ی پیامبران و نیز پیامبر اسلام اما معمولاً با مشکلی حل‌ناشدنی به نام «لجاجت» مواجه بودند. آری، بسیاری از مردم، با دیدن معجزه‌ی پیامبرشان به حقانیت او یقین می‌کردند؛ ولی گروهی که پیروی از دستورهای پیامبر خدا با منافعشان مخالف بود، بهانه می‌آوردند و معمولاً به او می‌گفتند که اگر راست می‌گویی، فلان معجزه را برایمان بیاور؛ یا به همان عذابی را که به ما وعده می‌دهی، بر سرمان نازل کن! گویی کلید معجزات غیبی و عذاب‌های آسمانی، در اختیار اوست و او باید بنا به درخواست ایشان، انواع و اقسام معجزات و عذاب‌های درخواستی را به نمایش گذارد؛ غافل از این که معجزات پیامبران و عذاب‌های آسمانی، امور خارق‌العاده‌ای هستند که تنها با صلاح‌دید خدای بزرگ، از پشت پرده‌ی جهان هستی که از چشمان ما پنهان و به «عالم غیب» مشهور است، بیرون می‌آید و برای مردم آشکار می‌شود.

در قرآن و روایات، به نمونه‌های متعددی از پدیده‌های غیبی اشاره شده که کافران می‌خواستند پیامبران آن امور غیبی را برایشان آشکار کنند: نازل شدن فرشتگان، فرود آمدن عذاب آسمانی یا آشکار شدن آخرین منجی بشریت که بنا بر وعده‌ی قطعی خدا، در پایان دنیا ظهور کرده، زمین را از ظلم و کفر پاک می‌کند. حقیقت اما این است که هیچ‌یک از پیامبران و حتی پیامبر اسلام ﷺ، خود نقشی در آوردن معجزه ندارند و نمی‌توانند با دلخواه خود، عذاب خدا را نازل کنند. از همین رو خداوند در این آیه، در پاسخ مشرکان نادانی که از پیامبر ﷺ تقاضای انواع و اقسام معجزات عجیب و غریب را می‌کردند، به او می‌فرماید: «بگو: غیب برای خداست، پس منتظر بمانید؛ من نیز با شما انتظار می‌کشم.» همچنین در آیه‌ی ۷۷ سوره‌ی غافر در مورد نزول عذاب بر کافران و زمان آن به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «صبر کن؛ زیرا وعده‌ی خدا حق است. بنابراین اگر برخی از مجازات‌هایی را که به آن‌ها وعده داده‌ایم، در زمان زندگی‌ات به تو نشان دهیم، یا قبل از آن، جان تو را بگیریم، در هر صورت، آن‌ها به پیشگاه ما باز می‌گردند و مجازات کارهایشان را خواهند چشید.» بدون شک یکی از مهم‌ترین حوادثی که در جهان رخ خواهد نمود، ظهور حضرت مهدی علیه السلام و لبریز شدن جهان از عدالت، توسط آن امام است. این حادثه‌ی بزرگ، یاری بزرگی برای مؤمنان و عذاب هولناکی برای کافران محسوب می‌شود؛ اما بر اساس نکته‌ای که گفته شد، وقوع آن در اختیار هیچ‌کس جز خدا نیست و حتی خود امام عصر علیه السلام هم از زمان ظهور خود آگاهی ندارد. در حدیثی می‌خوانیم که شخصی از امام رضا علیه السلام در مورد زمان ظهور سؤال کرد. آن حضرت در پاسخ او این آیه را تلاوت کرد و فرمود: «فانتظروا اِنِّی مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِینَ»؛ یعنی: من نیز مانند شما انتظار آن حادثه را می‌کشم و از زمان آن اطلاعی ندارم. به همین سبب، بزرگان دین به ما آموخته‌اند که در دوران غیبت از خدا چنین بخواهیم: «خدایا، مرا بر غیبت امام زمان علیه السلام شکیبیا کن تا در برابر آنچه تو صلاح می‌دانی دیرتر انجام شود، ناشکیبایی نکنم و نخواهم که زودتر انجام شود؛ یا دربارهی آنچه تو می‌خواهی زودتر انجام شود، نخواهم که دیرتر به وقوع بپیوندد؛ و نخواهم از رازی که تو صلاح می‌دانی پوشیده باشم، پرده بردارم و دنبال یافتن مطلبی نباشم که تو صلاح می‌دانی فعلاً پوشیده ماند؛ و در تدبیر تو، با تو بحث و جدل نکنم و نگویم با این که زمین پر از ستم شده، چرا و چگونه ممکن است و چه شده که صاحب فرمان خدا آشکار نمی‌شود؛ و مرا به گونه‌ای صبور کن که تمام این امور را به تو واگذارم.» آری، مؤمنان حقیقی برای فرج امام زمان انتظار می‌کشند؛ ولی به سبب غیبت آن حضرت اعتراضی ندارند.

وَإِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ

هنگامی که پس از گرفتاری‌ای که به مردم رسیده، رحمتی به آنان می‌چشانیم، ناگهان در (مورد از بین بردن) آیات و نشانه‌های ما دسیسه می‌کنند.

فِيءَايَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ

بگو: خداوند در نقشه کشیدن و ترفند زدن، سریع‌تر است؛ زیرا فرستادگان ما، (یعنی فرشتگانی که مراقب شما هستند) حيله و تیرنگ‌تان را

﴿۲۱﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ

می‌نویسند. ۲۱ لو کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد. پس هنگامی که در کشتی قرار بگیرید و (کشتی‌ها) با بادی

وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ

دل‌پذیر (و موافق)، (سرنشینان‌شان را) به حرکت در آورند و آنان از (بوزش) آن (باد) خوشحال باشند، (ناگهان) توفانی سخت بر

وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا

آنان بوزد و امواج از هر طرف به سمت‌شان بیاید و یقین کنند که در چنگال مرگ خواهند افتاد. (در آن وضعیت)، در

اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ

حالی که عبادت (خود) را برای خدا خالص کرده‌اند، او را (چنین) می‌خوانند که اگر ما را از این (مهلکه) نجات دهی، قطعاً از

الشَّاكِرِينَ ﴿۲۲﴾ فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ

سپاسگزاران خواهیم شد. ۲۲ پس هنگامی که آنان را نجات می‌دهد، ناگهان بدون این‌که حق داشته باشند، در

الْحَقِّ طَيِّبَاتِهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْكُمُ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ

زمین ظلم و فساد می‌کنند. ای مردم، ظلم و فساد شما فقط به ضرر خودتان است. تنها بهره‌ای (اندک) از زندگی

الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۲۳﴾

دنیا (می‌برید). سپس بلاگشت شما به نزد ماست، و شما را از کارهایتان آگاه خواهیم کرد. ۲۳

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ

توصیف (کوته‌ای) زندگی دنیا، مانند آبی است که آن را از آسمان فرود آوردیم و به سبب آن، گیاهان زمین از قبیل گیاهانی

نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ

که مردم و چهارپایان می‌خورند، در هم آمیخت (و انبوه شد). پس هنگامی که زمین زیتش را (با گیاهان گوناگون)

الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا

پرگرفت و آراسته شد و اهالی آن گمان کردند که بر (بهره‌برداری از آن) (کاملاً) توانایی دارند، (ناگاه) فرمان (عذاب) ما

أَتَتْهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ

در شب یا روز بر آن فرارسید، و آن را (مانند مزرعه‌ای) دروشده قرار دادیم که گویی دیروز (محصولی در آن) وجود

بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۴﴾ وَاللَّهُ

نداشته است. این چنین، آیات و نشانه‌ها (ی خود) را برای افرادی که می‌اندیشند، توضیح می‌دهیم. ۲۴ (در مقابل)،

يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۲۵﴾

خداوند، (مردم را) به سرای سلامت و آرامش دعوت می‌کند و هر که را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند. ۲۵

۲۴ و ۲۵. دنیا، سرای ناپایدار؛ آخرت، سرای امنیت: اگر بخواهیم مراحل زندگی یک انسان را از زمان تولد تا هنگام مرگ توضیح دهیم، به صفحات زیادی نیاز داریم؛ اما این آیات، با مثالی زیبا و کوتاه، تاریخ پرماجرای عمر یک انسان را به تصویر می‌کشد؛ مثالی که برای هر انسانی در هر زمان و مکانی فهمیدنی‌ست. به فرموده‌ی این آیات، زندگی دنیا مانند باغی پر از درخت و سبزه و گیاه است که به برکت آب باران، سبز و خرم شده است. این باغ، روز به روز زیباتر می‌شود و با گل‌های رنگارنگ و شاخسارهای سبز، زینت بیشتری به خود می‌گیرد. میوه‌های این باغ آرام آرام به ثمر می‌نشیند و صاحبانش آماده‌ی چیدن آن می‌شوند؛ که ناگهان سرمای سخت یا توفانی شدید سراغش می‌آید و یک‌شبه تمام گیاهان آن را درهم می‌پیچد و چیزی از آن‌همه زیبایی به جای نمی‌گذارد؛ چنان‌که گویی دیروز باغی در آنجا نبوده است! آری، ماجرای زندگی و مرگ انسان نیز مانند زندگی و مرگ همین باغ است.

انسان‌ها روزی به دنیا می‌آیند، کم‌کم رشد می‌کنند، زیبا و بانشاط می‌شوند، آرام آرام ثروت می‌اندوزند و صاحب مقام و موقعیت اجتماعی می‌شوند؛ تا آنجا که پس از سال‌ها رنج و زحمت، به آنچه دارند، دل خوش می‌کنند، و در حالی که به دوره‌ی میان‌سالی و پیری پا گذاشته‌اند، توقع دارند زحمتهای دوران جوانی‌شان به ثمر بنشیند و سال‌های زیادی در رفاه و آسایش زندگی کنند؛ اما ناگاه با وقوع حادثه یا اتفاقی مانند بیماری، زلزله، جنگ و ... فرصت حضورشان در سرای دنیا به پایان می‌رسد و فرمان کوچ‌شان به آخرت بلند می‌شود. در آن هنگام، انسان با حیرت و حسرت به دستاورد یک عمر زندگی‌اش نگاه می‌کند که چگونه با توفان مرگ از او گرفته می‌شود و هیچ چیز از آن را نمی‌تواند با خود ببرد. آری، این واقعیتی‌ست که برای تک‌تک انسان‌ها اتفاق می‌افتد و همگی آن را با تمام وجود می‌چشند. از همین رو خداوند پس از این مثال پرعبرت می‌فرماید: «در برابر دنیا که سرای ناپایدار است، خدا مردم را به دارالسلام دعوت می‌کند.» دارالسلام، یعنی سرای سلامت و امنیت؛ محلی که هیچ تباهی و ناامنی‌ای در آن وجود ندارد و برای همیشه آباد و خرم است؛ بهشت جاودان که هیچ مرگی در آن اتفاق نمی‌افتد و هر کس و هر چیز که در آن است، هیچ‌گاه پیر و فرتوت نمی‌شود؛ سرابی که به فرمان خدا، ساکنانش همیشه جوان‌اند و پیر نمی‌شوند، همیشه سالم‌اند و بیمار نمی‌شوند، همیشه ثروتمندند و فقیر نمی‌شوند، و همواره خوشحال‌اند و غمگین نمی‌شوند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنان زیبایی فرموده است: «ای بندگان خدا، تلاش و کوشش خویش را در این دنیا برای توشه گرفتن از چند روز کوتاه آن برای آباد کردن دوران طولانی آخرت صرف کنید؛ زیرا دنیا، سرای عمل [و توشه‌برداری‌ست؛ نه سرای اقامت]، و آخرت، سرای اقامت و کيفر و پاداش است. بنابراین از دنیا دل بکنید؛ زیرا فریب‌خورده‌ی واقعی، کسی‌ست که فریب [زینت‌های] دنیا را بخورد؛ چرا که هر قدر هم عاشقان دنیا در باره‌ی آن آرزوپردازی کنند، دنیا بیش از آنچه خدا برایشان مقرر کرده، نخواهد بود؛ همان‌طور که خدا فرموده است: [و آنگاه این آیه را تلاوت فرمود].»

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ

کسانی که نیکوکاری کردند، بهترین (پاداش) و افزون (بر استحقاقشان) را خواهند داشت و سپهرویی و خواری،

وَلَا ذَلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ

چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند، آنان، اهل بهشت‌اند (و همیشه در آن خواهند ماند. ۲۶ و کسانی که مرتکب بدی‌ها

كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذَلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ

شدند، کيفر هر بدی، مانند همان است و خواری و خفتی (بزرگ، تمام وجود) آنان را فرا می‌گیرد، آنان، در برابر (خشتم)

اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنْ آيِلٍ مُظْلِمًا

خداوند، هیچ محافظی ندارند. (چنان سپهروی‌اند که) گویی چهره‌هایشان با پاره‌هایی از شب تیره و تاریک پوشیده شده است.

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ

آنان، اهل آتش‌اند (و همیشه در آن خواهند ماند. ۲۷ روزی (را یاد کن) که همه‌ی آنان را (در قیامت) جمع و (به سوی

جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ فَزَيَّلْنَا

دادگاه خود) روانه می‌کنیم. آنگاه به کسانی که شرک ورزیدند، می‌گوییم: «شما و بت‌هایتان، بر جای خود باشید.» (آنگاه، میان

بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ آيَانَا تَعْبُدُونَ ﴿٢٨﴾ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ

آنان جدایی می‌اندازیم، و بت‌هایشان می‌گویند: «شما هرگز ما را نمی‌پرستیدید (؛ بلکه برده‌ی هوس و خیالات خود بودید.)» ۲۸

شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغْفَلِينَ ﴿٢٩﴾

و همین که خداوند بین ما و شما گواه است، کافی است، به راستی ما از پرستش (شرک‌آلود) شما به کلی بی‌خبر بودیم. ۲۹

هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ

آنجاست که هر کس (هر) آنچه را که پیش فرستاده، بررسی می‌کند، و به پیشگاه خدا (یعنی) سرپرست حقیقی خود بازگرداند

الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٣٠﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنْ

می‌شوند و نسبت دروغی که همواره (به خدا) می‌دادند، از نظرشان ناپدید می‌شود. ۳۰ بگو: «چه کسی از آسمان و زمین به شما

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ

روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک گوش‌ها و چشم‌ها است؟ و چه کسی (موجود) زنده را از (موادی) بی‌جان بیرون می‌آورد و

الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ

(مواد) بی‌جان را از (موجود) زنده خارج می‌کند و چه کسی کار (آفریدگان) را تدبیر می‌کند؟ بی‌شک خواهند گفت: ز

فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾ فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ

«الله، بنابراین بگو: «آیا خود را (از خشم خدا) حفظ نمی‌کنید؟» ۳۱ (آری، این الله است؛ مالک و صاحب‌اختیار حقیقی شما،

فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَإِنِّي تُصْرِفُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَلِكَ

بنابراین، پس از (گذر از) حق، چه چیزی جز (افتادن در) گمراهی وجود دارد؟ پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شود؟ ۳۲

حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾

بدین‌سان، (این) سخن پروردگارت در مورد نافرمانان به حقیقت پیوست که آنان ایمان نمی‌آورند. ۳۳

۲۶ و ۲۷. پاداش، چند برابر؛ کیفر، عادلانه: جهان آخرت، فرجامی است که بی هیچ تردیدی همه‌ی ما انسان‌ها به آن می‌رسیم و در دادگاه آن جهان، پاداش و کیفر اعمالمان را - از کوچک تا بزرگ - خواهیم دید. طبق قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، هر کار خوب یا بد، پاداشی متناسب با خود دارد؛ اما این قصه در مورد قوانین الهی به گونه‌ای دیگر است؛ بدین صورت که خداوند علاوه بر این‌که پاداش اعمال نیک انسان‌ها را به طور کامل به آن‌ها عطا می‌کند، همواره بر این پاداش می‌افزاید. بر اساس آیات قرآن، اعمال نیکوکاران دست‌کم تا ده برابر، و در حالتی، تا هفتصد برابر، و در حالتی دیگر، بدون حد و اندازه پاداش می‌گیرد. این پاداش، چیزی فراتر از عدالت خدا و مربوط به لطف و مهربانی بی‌حد و حصر اوست. پیشوایان دین نیز برای برخی از کارهای خوب، پاداش‌های بسیار زیادی برشموده‌اند؛ کارهایی مانند حج خانه‌ی خدا، زیارت قبور معصومین علیهم‌السلام، نماز جماعت، و نیکی به پدر و مادر. یکی از کارهایی که پاداش بسیار زیادی دارد، برطرف کردن حاجت یک مسلمان است.

پیشوایان ما فرموده‌اند که پاداش برطرف کردن یک مشکل از مشکلات یک مسلمان، از بیست حج بیشتر است؛ همچنین گفته‌اند که هر کس حاجت مسلمانی را برطرف کند، خداوند در قیامت، صد هزار حاجت او را برطرف می‌کند که نخستین آن، ورود به بهشت است. در مقابل این همه لطف و محبت اما هیچ‌گاه خدا کیفر کار بد را بیش از خود آن قرار نمی‌دهد؛ زیرا این کار ظلم است و خداوند به هیچ‌وجه به بندگان ظلم نمی‌کند. البته همین کیفر عادلانه، بسیار تلخ و دردناک است و هیچ انسانی طاقت آن را ندارد. در آیه‌ی ۲۷ می‌خوانیم: «کسانی که همواره مرتکب کارهای بد شده‌اند، بدانند که سزای هر بدی، مانند خود آن است، و نه بیشتر، و در قیامت، ذلت و خواری، سراسر وجود آنان را می‌پوشاند و هیچ‌کس نمی‌تواند آنان را در برابر خشم خدا حفظ کند. صورت‌های آنان چنان سیاه است که گویی با تاریکی شبِ ظلمانی پوشیده شده است. آنان اهل آتش‌اند و همیشه در آن خواهند ماند.» کمی اندیشه در این باره که پاداش چندبرابر بهتر است یا کیفر عادلانه، ما را به سعادت کامل می‌رساند.

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدُوا

بگو: آیا از بت‌های شما کسی هست که آفرینش را آغاز کند و آنگاه (پس از فنا شدن آن) آن را (در قیامت) تکرار می‌کند؟ بگو: خداوند، آفرینش

الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَإِنَّ تُوَفَّكُونَ ﴿٣٤﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي

را آغاز می‌کند و آن را تکرار می‌کند. پس چگونه (از حق) بزرگ‌دانه می‌شوید؟! ۳۴ بگو: آیا از بت‌های شما کسی هست که به سوی

إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ

حق هدایت کند؟ بگو: (تنها) خدا به سوی حق هدایت می‌کند. آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند، سزاوارتر است که پیروی شود، یا

يَتَّبِعَ آمَنَ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ ﴿٣٥﴾ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾

کسی که راه (درست) را پیدا نمی‌کند، مگر این که راه‌نمایی شود؟ شما چه سودی (از پرستش بت) می‌برید؟ چگونه قضاوت می‌کنید؟ ۳۵

وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ

بیشتر آنان فقط از گمان (و خیال) پیروی می‌کنند؛ (حال آن‌که) گمان به هیچ وجه (انسان را) از حقیقت بی‌نیاز می‌کند.

اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ

خداوند از کلام ایشان به خوبی آگاه است. ۳۶ شایسته‌ی این قرآن نیست که دروغ‌پردازی از سوی غیر خدا باشد؛ بلکه آنچه را

اللَّهُ وَلَٰكِن تَصَدِّقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ

(از تورات و انجیل را که در زمان خود) پیش رو دارد، تصدیق می‌کند و (محتویات) کتاب (های آسمانی) را - که هیچ شکی در

فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتُوا بِسُورَةٍ

آن نیست که از سوی پروردگار جهانیان است - توضیح می‌دهد. ۳۷ آیا می‌گویند قرآن را از خود بافته است؟! بگو: اگر راست

مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾

می‌گویند، شما یک سوره مانند آن بیاورید و غیر از خدا، هر که را می‌توانید، (برای این کار) دعوت کنید. ۳۸

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ

حقیقت این است که آنان چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز حقیقت آن نزدشان نیامده است.

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٣٩﴾

پیشینیان‌شان نیز همین‌گونه (پیامبران‌شان را) تکذیب کردند. پس ببین فرجام ستم‌کاران چگونه بود. ۳۹

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ

برخی از آنان به آن ایمان می‌آورند، و بعضی از آنان به آن ایمان نمی‌آورند. (آری،) پروردگارت از حال فسادگران آگاه‌تر

بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٤٠﴾ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلٌ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ

است. ۴۰ اگر تورا دروغگو شمردند، بگو: (جزای) کار (های) من برای خودم (است)، و (جزای) کار (های) شما برای

أَنْتُمْ بَرِيْعُونَ مِمَّا عَمَلْتُمْ وَأَنَا بَرِيْعٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٤١﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ

خودتان. شما با کارهای من ارتباطی ندارید و من (نیز) با کارهای شما بی‌ارتباطم. ۴۱ برخی از آنان، کسانی هستند که به

يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٢﴾

(سخن) تو گوش فرا می‌دهند. آیا تو می‌خواهی افراد ناشنوا را شنوا کنی؛ در حالی که عقل خود را به کار نمی‌گیرند؟! ۴۲

۳۵ و ۳۶. چه کسی ارزش پیروی دارد: این آیات، به دو عامل مهم در سعادت یا هلاکت انسان اشاره می‌کند. نخستین عامل، «پیشوای ظاهری» آن‌هاست؛ کسی که او را سرمشق خود قرار می‌دهند و راه زندگی خود را از او می‌گیرند. آیه ۳۵، بیانگر این نکته است که کسی می‌تواند پیشوای انسان باشد که به خوبی از حقیقت آگاه باشد و بتواند دیگران را به آن برساند، و شخصی که خود حق را به درستی نمی‌شناسد و در فراز و نشیب زندگی نمی‌تواند آن را از باطل جدا کند، شایستگی پیروی ندارد. تاریخ زندگی بشر به روشنی نشان می‌دهد که انسان‌هایی که راه‌م‌ایانی مانند خود انتخاب کردند و اجازه دادند که آن‌ها راه زندگی‌شان را تعیین کنند، دیر یا زود در سرزمین هلاکت و نابودی سرگردان شدند و از بین رفتند؛ زیرا خود آن پیشوایان نیز به درستی نمی‌دانستند که در هر موقعیتی چگونه عمل کنند و به پیروان خود چه دستوری بدهند. در مقابل اما کسانی که از راه پیامبران الهی و پیشوایان معصومی پیروی کردند که از سوی خدا برگزیده شده‌اند، هیچ‌گاه از عملکرد خود پشیمان نشدند؛ هرچند آن پیروی به مرگ و نابودی ظاهری آنان بینجامد. حادثه‌ی عاشورا، نمونه‌ی بسیار روشنی از این حقیقت است. در آن زمان، گروهی بسیار اندک از مردم با امام حسین علیه السلام همراه شدند و این همراهی را تا نثار جان ادامه دادند، و هر چند پیروی و همراهی‌شان به تگه‌تگه شدن بدن‌هایشان انجامید، آنان را به قله‌ی سعادت و شرافت رساند. در مقابل آنان، گروه‌های مختلفی بودند که از پیشوایان گمراه و گمراه‌گر پیروی کردند و سرانجام سزای تلخ پیروی اشتباه خویش را چشیدند.

در روایتی از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم: «خداوند به پیامبران و امامان توفیقی عنایت کرده و از دانش و حکمت پنهان خود به آنان دانشی داده که به غیر از آنان نداده، و به همین سبب، دانش آنان، بالاتر از دانش مردم هر زمان است، و این در سخن خدا آمده است: *أَفَن يَدْعِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ ...* [آیه ۳۵].» دومین عامل سعادت یا نابودی انسان که در این آیات گفته شده، پیروی او از عقل یا حدس و گمان است. یکی از بزرگ‌ترین آفات زندگی بشر، فرار از واقعیت و زندگی در عالم خیال و گمان بد است. به راستی بسیاری از مردم نمی‌خواهند حقایق زندگی را بپذیرند و راه خود را بر اساس آن انتخاب کنند. باور نکردن پیری و مرگ، مؤثر دانستن شانس و اقبال در خوشبختی، ایمان داشتن به طالع سعد و نحس، و از همه بدتر، پرستش خدایان سنگی و چوبی، نمونه‌های روشنی‌ست که در زندگی انسان‌ها یافت می‌شود و آنان را از هدایت حقیقی باز می‌دارد. امیر مؤمنان علی علیه السلام، یکی از مهم‌ترین وظایف پیامبران را «بیرون آوردن عقل‌های بشریت از زیر خاک جهالت و نادانی» بر شمرده است. آری، این دو عامل مهم، بزرگ‌ترین رمز سعادت انسان یا نابودی اوست. در روایتی از امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم: «خدا دو راه نمای روشنگر برای مردم قرار داده است [که به وسیله آن‌ها، راه حق را به بندگانش نشان می‌دهد]: راهنمای آشکار و راهنمای پنهان. راهنمای آشکار، پیامبران و امامان هستند، و راهنمای پنهان، عقل است.»

وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمَىٰ وَلَوْ كَانُوا

برخی از آنان، به تو چشم می‌دوزند. آیا تو می‌خواهی افراد نابینا را بینا کنی؛ هر چند توان دیدن

نداشته باشند؟! ۴۳ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ

خود ستم می‌کنند ۴۴ خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی‌کند؛ بلکه مردم (خود) در حق

انفُسِهِمْ يَظْلِمُونَ ۴۴ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً

خویش ستم می‌کنند ۴۴ در آن روز که آنان را جمع و (به سوی دادگاه خود) روانه می‌کند، چنان‌که گویی فقط لحظه‌ای

مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ ۴۵ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ

از روز (در دنیا) درنگ کرده‌اند (و یکدیگر را (به‌خوبی) می‌شناسند، بی‌شک کسانی که روبه‌رو شدن با خدا را دروغ

وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۴۵ وَإِنَّمَا نُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ أَوْ

شمرده‌اند، زبان کرده‌اند و هدایت شده نیستند. ۴۵ اگر برخی از چیزهایی را که به آنان وعده دادیم، به تو نشان دهیم، یا پیش

نَتَّوْقِيَنَّكَ فَالْيَنَّا مَرَجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ۴۶

از وقوع آن (جان تو را بگیریم، در هر حال) بزرگشت آنان، تنها به نزد ماست؛ آنگاه خدا بر کارهای آنان گواه است. ۴۶

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ

هر امتی، پیامبری دارد. پس هنگامی که پیامبرشان بیاید، بی‌آن‌که مورد ستم واقع شوند، میان‌شان به عدالت داوری خواهد

لَا يُظْلَمُونَ ۴۷ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

شد (و مؤمنان نجات یابند و کافران هلاک شوند). ۴۷ می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده چه زمانی رخ می‌دهد؟»

۴۸ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ

چیز جز مولودی که خدا خواسته است، من اختیار هیچ زیان و سودی را برای خودم (هم) ندارم. هر امتی، وقت مشخصی (برای

أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

برچیده شدن از روی زمین) دارد، و هنگامی که اجلشان فرارسد، لحظه‌ای نمی‌توانند (در آن) تأخیر کنند و (لحظه‌ای آن را) جلو

۴۹ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُمْ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ

نمی‌اندازند. ۴۹ بگو: به من خبر دهید اگر عذاب او شب‌هنگام یا در روز سرازیرتان بیاید، گنه‌کاران درخواست می‌کنند که در آمدن

مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ۵۰ أَلَمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ ۵۱ أَلَمْ تَكُنْتُمْ

کدام یک از عذاب‌ها شتاب شود؟! ۵۰ آیا هنگامی که رخ دهد، به خدا ایمان می‌آوردید؟ آلان (ایمان می‌آوردید)؛ در حالی که

بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ۵۱ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ

(پیش از این) می‌خواستید که در آمدن آن شتاب شود؟! ۵۱ آنگاه به کسانی که ستم کردند، گفتند: می‌شود:

الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ۵۲ وَيَسْتَدْعُونَكَ

«عذاب ابدی را بچسبید. آیا جز به سبب دستاوردتان کفر می‌بینید؟» ۵۲ از تو خبر می‌گیرند که آیا آن (وعده)

أَحَقُّ هُوَ قُلْ أَيْ وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ۵۳

حق است؟ بگو: آری؛ سوگند به پروردگرم که قطعاً آن حق است و شما نمی‌توانید (از خدا) بگریزید.

۴۲ و ۴۳. نخستین گام: بدون شک پیامبران خدا بهترین معلمانی هستند که انسان‌ها به خود دیده‌اند؛ بزرگ‌مردانی که با بهترین اخلاق، بهترین درس، بهترین کتاب و بهترین روش، راه و رسم زندگی را به انسان‌ها آموختند. با این حال اما می‌بینیم که بسیاری از انسان‌ها، از آموزه‌های پیامبران استفاده‌ی لازم را نمی‌کنند و در امتحان زندگی مردود می‌شوند. به نظر شما، اشکال کار این افراد چیست؟ فرض کنید که بهترین معلم در کلاس درس حاضر است و با عالی‌ترین وسایل کمک‌آموزشی تدریس می‌کند؛ اما برخی از دانش‌آموزان، چشمان خود را بسته‌اند و با انگشتان خویش گوش‌هایشان را گرفته‌اند! آیا چنین افرادی از درس بهره‌ای می‌برند؟ خدای بزرگ بارها در قرآن فرموده است که نخستین گام هدایت، کنار گذاشتن لجاجت و تعصب‌های بی‌جا، و پذیرش منصفانه‌ی حق و حقیقت است.

بر اساس قرآن، کسانی که نشانه‌های خدا را با بی‌طرفی می‌بینند و آیات خدا را می‌شنوند و درباره‌ی آن می‌اندیشند، به‌خوبی از حقیقت آگاه می‌شوند و به دعوت خدا پاسخ مثبت می‌دهند. در این هنگام، لطف خدا به یاری آنان می‌شتابد و دل و جان آنان را به نور حق روشن و روشن‌تر کرده، مسیر سعادت را برایشان هموارتر می‌کند؛ به طوری که آن‌ها با یقین و اطمینان، در راه خدا زندگی می‌کنند و با یقین و اطمینان از زندگی خود، از دنیا رخت برمی‌بندند. در آیه‌ی ۲۵۷ سوره‌ی بقره می‌خوانیم: «خدا، سرپرست کسانی‌ست که ایمان آورده‌اند. آن‌ها را از تاریکی‌ها بیرون می‌آورد و به نور می‌رساند.» همچنین در آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی ابراهیم آمده است: «خدا، افراد باایمان را به سبب اعتقاد استوارشان در زندگی دنیا و آخرت، ثابت‌قدم می‌کند.» در مقابل اما اگر انسان به جای دیدن نشانه‌های خدا، چشم خود را ببندد و به جای شنیدن آیات الهی، گوش‌هایش را بگیرد، دیگر از آن اسباب سعادت بهره‌ای نمی‌برد؛ بلکه کم‌کم در مقابل آن‌ها موضع می‌گیرد و از آن‌ها احساس تنفر می‌کند، و هر چه بیشتر با حقیقت روبرو می‌شود، کفر و انکارش فزونی می‌گیرد. خداوند در آیات ۴۵ و ۴۶ سوره‌ی اسراء، از این واقعیت تلخ پرده بر می‌دارد و می‌فرماید: «هنگامی‌که قرآن می‌خوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، مانع ناپیدایی قرار می‌دهیم، و بر دل‌هایشان پوشش‌هایی قرار می‌دهیم تا آن را نفهمند، و در گوش‌هایشان سنگینی‌ای ایجاد می‌کنیم تا آن را نشنوند.» در این حال دیگر هیچ کس نمی‌تواند آنان را از گمراهی نجات دهد؛ حتی برترین معلم بشریت، یعنی پیامبر گرامی اسلام ﷺ. این آیات به همین نکته اشاره می‌کند و به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «برخی از کافران، در ظاهر به سخنان تو گوش می‌کنند؛ ولی در حقیقت، گوش جان‌شان کر است. آیا تو می‌توانی افراد کوری را که عقل خود را به کار نمی‌گیرند، شنوا کنی؟ برخی از آنان، به تو نگاه می‌کنند؛ ولی چشم دل‌شان کور است. آیا تو می‌توانی افراد کور را که نمی‌خواهند حقیقت را ببینند، هدایت کنی؟». در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «خداوند، بردبار و دانا است. خشم او تنها بر کسانی رواست که خشنودی او را نمی‌پذیرند، و تنها کسانی را محروم می‌کند که بخشش او را قبول نمی‌کنند، و فقط کسانی را گمراه می‌کند که هدایتش را نمی‌پذیرند.»

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۚ وَأَسْرُوا

اگر همه‌ی افرادی که ستم کردند، مالک (هر) آنچه در زمین است، باشند، قطعاً عوض (رهایی از عذاب) می‌دهند،

التَّادِمَةَ لَمَا رَأَوْا الْعَذَابَ ۖ وَفُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ ۚ وَهُمْ

و هنگامی که عذاب را ببینند، پشیمانی (خود) را پنهان می‌کنند و بی آن‌که به ایشان ستم شود، میان‌شان

لَا يُظْلَمُونَ ﴿٥٤﴾ ۚ إِلَّا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْأَرْضِ ۗ الْآلَآءِ

به عدالت داوری خواهد شد. ۵۴ آگاه باشید که آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط برای خداست. آگاه

وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۖ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ ۚ هُوَ يُحْيِي ۙ وَيُمِيتُ

باشید که وعده‌ی خدا حق است؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. ۵۵ او زنده می‌کند و می‌میراند، و تنها به

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾ ۚ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ۖ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّنْ

پیشگاه و بازگرداننده می‌شوید. ۵۶ ای مردم، بی‌گمان پندی از سوی پروردگارتان و شفایی برای آنچه (از

رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

بیماری‌های روحی که) در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی (بزرگ) برای مؤمنان، نزدتان آمده است.

﴿٥٧﴾ ۚ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ ۖ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا ۗ هُوَ خَيْرٌ

۵۷ بگو: (خوشحال بودن، تنها) به لطف و عنایت خدا و رحمتش (نیکوست). پس باید به آن خوشحال باشند؛ (چرا که) آن،

مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾ ۚ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ

از (هر) آنچه گرد می‌آورند، بهتر است. ۵۸ بگو: به من خبر دهید آنچه خدا رزق و روزی بر شما نازل کرده است و شما

فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَ حَلٰلًا ۗ قُلْ أَلَمْ يَنْزِلْ لَكُمْ مِّنْ عَالِي السَّمَاءِ

(خودسرانه) بخشی از آن را حلال و (بخشی را) حرام قرار داده‌اید، بگو آیا خدا به شما اجزای (چنین کاری را) داده است؛

تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ ۚ وَ مَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكٰذِبَ

یا این‌که شما بر خدا دروغ می‌بندید؟! ۵۹ کسانی که به خداوند دروغ می‌بندند، در روز قیامت، گمانشان چیست

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ

(یعنی گمان می‌کنند چه بر سرشان می‌آید)؟ به راستی خدا به مردم لطف و عنایت دارد؛ ولی بیشتر مردم

لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ ۚ وَ مَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَ مَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْءَانٍ

سپاسگزاری نمی‌کنند. ۶۰ (ای پیامبر)، به هیچ کار مهمی مشغول نمی‌شوی و هیچ بخشی از چیزهایی (که بر تو)

وَ لَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ ۗ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا ۖ اِذْ تُفِيضُونَ

خوانده شده (است) را، تلاوت نمی‌کنی، و (شما مردم) هیچ کاری نمی‌کنید، مگر این‌که در همان زمان، ما بر شما گواه

فِيهِ ۚ وَ مَا يَعِزُّبُ عَنْ رَبِّكَ ۗ مِنْ مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي

همسایه‌ی تیم، و به هیچ وجه در زمین و آسمان، (چیزی) به اندازه‌ی ذره‌ای از پروردگارت مخفی نمی‌ماند. (آری،)

السَّمَاءِ ۗ وَ لَا أَصْغَرَ مِنْ ذٰلِكَ ۗ وَ لَا أَكْبَرَ ۗ إِلَّا فِي كِتٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٦١﴾

هیچ چیز کوچک‌تر و بزرگ‌تر از آن (ذره باشد)، وجود ندارد، مگر این‌که در نوشته‌ای کامل (ثبت شده) است. ۶۱

۶۱. شرم حضور: رفتار همه‌ی ما در هنگامی که تنها هستیم، در مقایسه با زمانی که افراد دیگری در کنار ما حضور دارند، بسیار متفاوت است. ما در تنهایی بدون هیچ ملاحظه‌ای می‌خوابیم، پاهایمان را دراز می‌کنیم، آواز می‌خوانیم و ... ، ولی در حضور افراد دیگر، مراقب رفتارمان هستیم. البته هر قدر مقام و منزلت حاضران بالاتر باشد، رفتار ما سنجیده‌تر می‌شود. مثلاً رفتار ما در حضور مدیر مدرسه، با رفتارمان در حضور دوستانمان تفاوت دارد. اکنون فرض کنید که قرار است نزد بعضی مقام‌های عالی‌رتبه‌ی کشور حاضر شویم و تک‌تک حرکات ما زیر ذره‌بین حاضران رصد شود. در آن هنگام، در ادای تمام کلماتی که به زبان می‌آوریم و در انجام تمام کارهایی که از ما سر می‌زند، احتیاط کامل می‌کنیم. کتاب خدا در این باره به ما می‌فرماید که ما در همین لحظه و در هر لحظه‌ی دیگر، در محضر آفریدگار جهان هستیم؛ خداوند دانا و نیرومندی که عالم هستی با همه‌ی بزرگی‌اش، در برابر بزرگی او چیزی به حساب نمی‌آید.

بد نیست که گاهی به تصاویر کهکشان‌ها نگاهی بیندازیم تا متوجه کوچکی خود در جهان بشویم و آنگاه بیندیشیم تا دریابیم که خدای جهان‌آفرین در همین لحظه ما را می‌بیند و تک‌تک کارهای ما را زیر نظر دارد، یعنی چه. این توجه، چنان تأثیری در وجود انسان می‌گذارد که هیچ قانون و محدودیتی نمی‌تواند چنین اثری داشته باشد؛ حالتی که انسان در هر لحظه مراقب خویش است که مبادا کاری بر خلاف رضایت خدای حاضر و ناظر انجام دهد. در روایات می‌خوانیم که پیامبر ﷺ هر گاه این آیه را تلاوت می‌کرد، به شدت می‌گریست. در قرآن کریم و سخنان پیشوایان دین، این حالت، یکی از برترین حالات انسان برشمرده شده و یکی از بیشترین پاداش‌ها را به خود اختصاص داده است. در آیه‌ی ۴۶ سوره‌ی رحمن می‌خوانیم: «هر کس از مقام و منزلت پروردگارش بترسد، دو بهشت خواهد داشت.» در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که در تفسیر این آیه فرموده است: «هر کس بداند که خدا او را می‌بیند و سخنش را می‌شنود و از کارهای خوب و بدش آگاه است و همین دانش او را از کارهای زشت باز دارد، کسی است که از مقام و منزلت پروردگارش ترسیده و خود را از هوای نفس خویش باز داشته است.» در روایت دیگری از همان حضرت می‌خوانیم: «هر کس در خلوت بتواند مرتکب گناهی شود، ولی خدا را در آنجا مراقب خودش ببیند و از فرشتگانی که اعمال را می‌نویسند، شرم کند، خداوند تمام گناهانش را می‌آمرزد.»

الْآيَاتِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
 آگاه باشید که هیچ ترسی دوستان خدا را فراموشی نکند، و آنان اندوهگین نمی شوند؛

﴿٦٢﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَّهُمُ الْبُشْرَى
 همانان که ایمان آورده اند و همواره خود را (از خشم خدا) حفظ می کنند. ۶۳. آنان در زندگی

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ
 دنیا و آخرت، بشارت خواهند داشت. سخنان (و وعده های) خدا، به هیچ وجه تغییر نخواهد کرد.

ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ
 این همان نجات و پیروزی بزرگ است. ۶۴. سخن آنان، تو را اندوهگین نکند؛ چراکه تمام عزت

الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ الْآيَاتِ لِلَّهِ
 (و پیروزی)، به دست خداست. (آری،) او بسیار شنوا و داناست. ۶۵. آگاه باشید که (مالکیت)

مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ
 هر کس که در آسمان ها و هر کس که در زمین است، فقط از آن خداست، و کسانی که (بت هایی را)

يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ اِنْ يَتَّبِعُونَ اِلَّا
 به جای خدا می پرسند، (در حقیقت) از بت ها پیروی نمی کنند. آنان فقط از گمان پیروی می کنند

الظَّنَّ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
 و صرفاً به حدس و تخمین (باطل) سخن می گویند. ۶۶. او کسی است که شب را برایتان قرار داد تا در

الَّيْلِ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا اِنَّ فِي ذَلِكَ
 آن آرامش یابید، و روز را روشن (قرار داد). بی شک در این (آفرینش)، نشانه هایی برای افرادی است که

لَايَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا
 (حقایق را) می شنوند. ۶۷ گفتند: «خداوند، (مخلوقی را) فرزند (خود) انتخاب کرد.» - (ولی) او (از این

سُبْحٰنَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ
 سخنان) بسیار منزّه است - او (از داشتن فرزند) بی نیاز است. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است،

اِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ بِهٰذَا اَتَقَوْلُونَ عَلٰی اللّٰهِ
 فقط برای اوست. هیچ دلیلی برای (اثبات) این (گفته تان) نزد شما نیست. آیا چیزی را که (به

مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلِ اِنَّ الَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ عَلٰی اللّٰهِ
 درستی) نمی دانید، به خدا نسبت می دهید؟ ۶۸ بگو: کسانی که به خدا دروغ می بندند، به هدف

الْكَذِبِ لَا يُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ اِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ
 خود نخواهند رسید. ۶۹ (این دروغ پردازی، موجب) بهره ای (ناچیز) در زندگی دنیا می شود؛ ولی

ثُمَّ نُنذِقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾
 بازگشت آنان، تنها به نزد ماست. آنگاه، به سزای کفرشان، از عذاب سخت به آنان می چشانیم. ۷۰

۶۲ تا ۶۴. دوستان خدا! سرخوشان هستی: همه‌ی انسان‌ها برای بهتر زندگی کردن تلاش می‌کنند و خود را به رنج و سختی می‌اندازند؛ ولی چرخ جهانی که مردم در آن زندگی می‌کنند، همیشه به سودشان نمی‌چرخد، و به قول معروف، اوضاع همیشه به کام نیست. بسیاری از اوقات، انسان‌ها چیزهای دوست‌داشتنی‌شان را به عللی که حتی در به وجود آمدن آن دخالتی ندارند، از دست می‌دهند و از این پیشامد غمگین می‌شوند. در کنار این غم و اندوه، از آن می‌ترسند که مبدا آنچه را که دارند، از دست بدهند. بدین ترتیب، زندگی‌شان در میان «اندوه گذشته» و «ترس از آینده» سپری می‌شود. این آیات، از انسان‌هایی سخن می‌گوید که از این ترس و اندوه آزادند و با شادی و خوشحالی در آسمان سعادت پرواز می‌کنند. البته آنان نیز مانند دیگران در همین دنیا زندگی می‌کنند و گرفتار مشکلات می‌شوند و چیزهای دوست‌داشتنی‌شان را از دست می‌دهند؛ ولی به جهان و مشکلات آن به گونه‌ای دیگر نگاه می‌کنند و از زندگی در دنیا توقع متفاوتی دارند. آنان کسانی هستند که دعوت خدا را با کمال میل پذیرفته‌اند ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ و همواره مراقب رفتار خود هستند که مبدا بر خلاف خشنودی خدا کاری انجام دهند ﴿وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾. به همین سبب، به منبع قدرت، علم و رحمت هستی، یعنی خدای بزرگ، نزدیک شده‌اند و امور زندگی خود را کامل به او سپرده‌اند و همان‌طوری زندگی می‌کنند که او می‌پسندد.

از این رو اگر جهان هستی بر اساس قوانینی که خدا بر آن حاکم کرده، چیزی را از آنان بگیرد، اندوه به خود راه نمی‌دهند و به خواست خدا راضی می‌شوند، و اگر مالک چیزی بشوند، آن را امانتی از سوی خدا بر می‌شمرند که مدتی در اختیارشان هست و پس از آن از ایشان گرفته خواهد شد. در مقابل، خدا نیز سرپرستی امور آنان را به عهده می‌گیرد و بهترین سرنوشت را برایشان مقرر می‌کند. بدین ترتیب، این انسان‌های بزرگ، نه تنها در جهان آخرت از هر ترس و اندوهی حفظ خواهند شد، بلکه در همین دنیا نیز از غصه‌هایی که در میان مردم رواج دارد و سبب ده‌ها بیماری روحی و روانی می‌شود، در امان می‌مانند. در روایتی از پیشوای ششم‌مان می‌خوانیم: «در میان مطالبی که خدا به حضرت موسی علیه السلام وحی فرمود، این سخن بود که ای موسی، من هیچ مخلوقی را بهتر از بنده‌ی بایمانم نیافریده‌ام؛ چه این‌که من او را با گرفتن چیزهایی امتحان می‌کنم که فقط به نفع خود اوست، یا به او سلامت و تندرستی می‌دهم که این نیز فقط به سود خودش است، و یا چیزی را از او دور می‌کنم که داشتن آن به ضررش است تا چیز بهتری را جایگزینش کنم، و من بهتر می‌دانم که بنده‌ی بایمانم با داشتن چه احوالی، صالح و شایسته می‌شود؛ پس او نیز بر بلاهای من صبر کند و نعمت‌هایم را شکر گوید و به خواست من راضی شود تا به خاطر عمل به کارهایی که من از آن خشنود هستم و اطاعت از فرمانم، نام او را در میان بندگان بسیار راست‌گوی خویش ثبت کنم [و سرنوشت آن بندگان خاص را برای او نیز رقم زنم].»

﴿۷۱﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يٰقَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ

سرگذشت نوح را برایشان بخوان؛ آنگاه که به قومش گفت: «ای قوم من، اگر وجود من و یادآوری هایم در مورد

عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ

آیات و نشانه های خدا برای شما دشوار است، من تنها بر خدا توکل می کنم، و شما (نیز) همراه بت هایتان در

فَاجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ

کلر تان (برض من) تصمیم بگیرید، و کلر تان بر شما پوشیده نماید (و آشکارا برای نابودی ام فعالیت کنید). آنگاه

اقضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ﴿۷۱﴾ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ

(تمام توان تان را) بر اینم به کار گیرید و مهلتم ندهید؛ ۱۷۱ اگر (به من) پشت کنید، (بدانید که) من هیچ مزدی از شما

إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۷۲﴾

نخواستم. اجر من فقط بر (عهدی) خداست و من مأمور شده ام که از تسلیم شدگان (در برابر خدا) باشم. ۷۲

فَكَذَّبُوهُ فَجَبَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلْفَةً

(اما) نتیجه این شد که او را دروغگو شمردند. پس ما (نیز) او و همراهانش در آن کشتی را نجات دادیم و آنان را

وَاعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذِرِينَ

چانشینان (کافران) قرار دادیم، و کسانی را که آیات و نشانه های ما را تکذیب کردند، غرق کردیم. (آری،) بین که عاقبت

﴿۷۳﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَبَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

هشدر داده شدگان چگونه بود. ۷۳ آنگاه پس از او، پیامبرانی را نزد قومشان فرستادیم و آنان برایشان دلایل روشن

فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ

آوردند، و ایشان قصد نداشتند به آنچه که پیشتر دروغ می شمردند، ایمان آورند. این چنین بر دل های تجاوزکاران

قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿۷۴﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ

مُهر می نهیم. ۷۴ آنگاه، پس از آنان، موسی و هارون را همراه آیات و نشانه هایمان نزد فرعون

فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿۷۵﴾

و اشراف و سران (قوم) او فرستادیم، و پس از آن، آنان تکبر ورزیدند؛ در حالی که افرادی گنه کار بودند. ۷۵

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۷۶﴾

هنگامی که حق از جانب ما سر ایشان آمد، گفتند: «بدون شک این جادویی آشکار است.» ۷۶

قَالَ مُوسَىٰ اتَّقُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ

موسی گفت: «آیا هنگامی که حق برایتان می آید، (آن را جادو می خوانید؟) می گویند: آیا این جادوست؟؛ در

السَّاحِرُونَ ﴿۷۷﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ عِبَادَنَا

حالی که جادوگران به هدفشان نمی رسند.» ۷۷ گفتند: «آیا نزد ما آمده ای تا ما را از عقیده ای که پدرانمان را بر آن

وَتَكُونُ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۷۸﴾

یافته ایم، بگردانی و سروری و بزرگی در این سرزمین برای شما شود؟ ما شما را تصدیق نمی کنیم.» ۷۸

۷۳. کشتی نجات: سرگذشت حضرت نوح علیه السلام یکی از داستان‌های مشهوری است که قرآن بارها به آن اشاره کرده است. یکی از موارد مهم این سرگذشت، کشتی نوح علیه السلام است که سبب نجات مؤمنان شد. البته این داستان و تمام داستان‌هایی که در قرآن بیان شده، نه فقط برای آشنایی ما با تاریخ، بلکه برای عبرت‌آموزی و استفاده از آن در زندگی است. یکی از نکات آن ماجرا این است که از میان موجودات روی زمین، هر کس سوار کشتی نوح شد، نجات یافت، و هر کس از سوار شدن به آن سر باز زد، گرفتار توفان شد و به هلاکت رسید. در روایات زیادی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم که آن حضرت، خاندان معصوم خود را به کشتی نوح علیه السلام تشبیه فرموده است. بدین ترتیب، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مردم فهمانده که تنها راه نجاتشان، پیروی از معصومین علیهم السلام است. مطالعه آیات قرآن و دقت در آن‌ها روشن می‌کند که این تشبیه، نکات دقیق و زیبایی دارد که توجه به آن‌ها، ما را با جایگاه اهل بیت علیهم السلام در میان مردم آشنا تر می‌کند. قرآن در مورد کشتی نوح می‌فرماید: ۱- آن کشتی استوار، زیر نظر مستقیم خدا و با آموزش او از طریق وحی به نوح علیه السلام ساخته شد. اهل بیت علیهم السلام نیز انسان‌هایی فوق‌العاده هستند که با آموزش مستقیم خدا و از راهی غیر از راه‌های معمول توسط آفریدگار هستی رشد یافته و به کمال رسیده‌اند تا مردم را به بهترین شیوه تربیت کنند. در روایتی از امام زمان علیه السلام می‌خوانیم: «ما دست‌پورده‌های ویژه‌ی خدا هستیم، و پس از آن، مردم، دست‌پورده‌های ما هستند.»

۲- کشتی نوح علیه السلام بسیار وسیع و پهناور بود؛ آن قدر که برای تمام کسانی که دعوت نوح علیه السلام را پذیرفتند و از او پیروی کردند، جا داشت. البته هر چند که پیروان نوح علیه السلام کم بودند، اگر زیاد هم بودند، می‌توانستند بر آن سوار شوند؛ زیرا نه تنها انسان‌های باایمان بر آن سوار شدند، بلکه به فرمان خدا، نوح علیه السلام از هر نوع حیوان، یک جفت را بر کشتی سوار کرد تا نسل حیوانات آن روز منقرض نشود. پس بی‌شک آن کشتی، کشتی بسیار بزرگی بوده است. هدایت و رهبری اهل بیت علیهم السلام نیز شامل یک گروه محدود و در یک زمان مشخص می‌شود؛ بلکه هر کسی که بخواهد، در هر مکان و زمان می‌تواند از راه‌نمایی ایشان بهره‌مند شود و به وسیله‌ی آنان به سرمنزل نجات و سعادت برسد. ۳- بر اساس آیات قرآن، در توفان نوح، جز کسانی که سوار کشتی شدند، بقیه‌ی مردم که کافر بودند، نابود شدند؛ تا حدی که همه‌ی مردم روی زمین پس از توفان، از نسل کسانی هستند که سوار کشتی شده بودند. در آن ماجرا، پسر حضرت نوح علیه السلام که کافر بود نیز به قلّه‌ی کوهی پناه برد؛ ولی آب، او را هم فرا گرفت. راه و روش اهل بیت علیهم السلام نیز تنها راه و روشی است که انسان‌ها را به سرمنزل مقصود می‌رساند، و هیچ راه و رسم و مکتبی در هیچ مکان و زمانی غیر از این، نجات‌بخش انسان‌ها نخواهد بود. ۴- کشتی نوح، از میان امواج توفانی به سلامت گذر کرد؛ امواجی که به فرموده‌ی قرآن گاهی به ارتفاع یک کوه می‌رسید. اهل بیت نیز پیروان خود را از امواج فتنه‌ها و راه‌های انحرافی حفظ می‌کنند؛ هر چند آن راه‌ها و روش‌های غلط، بسیار قوی و فریبنده باشند. ۵- کشتی نوح پس از گذر از آن‌همه خطرهای مهیب، مسافران خود را به مقصد رساند، و آنان با سلام و درود خدا و همراه با لطف و برکت او بر زمین پیاده شدند. اهل بیت نیز پیروان واقعی خود را به هدف اصلی می‌رسانند و آنان را با سلام و درود خدا به بهشت برین وارد می‌کنند.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ اِنَّ تَوْنِي بِكُلِّ سَجْرِ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةُ

فرعون گفت: «همه‌ی جادوگران دانا و زبردست را بیاورید.» ۷۹ پس هنگامی که جادوگران آمدند، موسی

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ اَلْقُوا مَا اَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا اَلْقَوْا قَالَ

به آنان گفت: «آنچه به میان آورده‌اید، ببندازید.» ۸۰ وقتی انداختند، موسی گفت: «آنچه به میان

موسى مَا جِئْتُمْ بِهٖ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيَبْطِلُهٗ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُصْلِحُ

آوردید، جادوست. بی‌گمان خدا آن را باطل خواهد کرد؛ زیرا خداوند، کار فسادگران را به سامان

عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ

میرساند؛ ۸۱ خدا، حق را با سخنان (و سنت‌های) خود آشکار و پابرجا می‌کند؛ هر چند گناهکاران

الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾ فَمَا اَمَّنَ لِمُوسَىٰ اِلَّا ذُرِّيَّتُهٗ مِنْ قَوْمِهٖ عَلٰى

خوش نداشته باشند.» ۸۲ (سرانجام،) تنها فرزندان (در بند) از قوم موسی به او ایمان آوردند: (آن هم) با ترس از

خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَٓئِمِهِمْ اَنْ يَّفْتِنَهُمْ وَاِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ

فرعون و بزرگان (و ارباب فرعون) خود که مبادا آنان را شکنجه کنند (و آنان مجبور به تغییر دین حق‌شان شوند).

فِي الْاَرْضِ وَاِنَّهٗ لَمِنَ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿٨٣﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يٰقَوْمِ اِنِ

(آری،) فرعون در آن سرزمین بسیار سرکش و چیره بود و قطعاً او از اسراف‌کاران بود. ۸۳ موسی گفت: «ای قوم

كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللّٰهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوْا اِن كُنْتُمْ مُّسْلِمِيْنَ ﴿٨٤﴾ فَقَالُوْا

من، اگر به خدا ایمان آورده‌اید، فقط به او توکل کنید؛ اگر سر تسلیم دارید.» ۸۴ گفتند: «تنها بر خدا

عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ ﴿٨٥﴾

توکل کردیم، پروردگارا، ما را (با بردگی فرعونیان،) وسیله‌ی آزمایشی برای ستمگران قرار مده؛ ۸۵

وَتَجْنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٨٦﴾ وَاَوْحَيْنَا اِلَىٰ مُوسَىٰ

و به رحمت خود، ما را از (دست) افراد کافرهای بخش.» ۸۶ به موسی و برادرش وحی کردیم که

وَ اٰخِيهِ اَنْ تَبۡوَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بۡيُوتًا وَاَجْعَلُوْا بۡيُوتَكُم

برای قوم خود در مصر، خانه‌هایی بسازید، و خانه‌هایتان را مقابل هم قرار دهید و نماز را کامل و

قِبَلَةً وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٨٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ

بی‌نقص به جای آورید. (ای موسی،) به مؤمنان مژده‌ی (نجات و رهایی) بده. ۸۷ موسی گفت:

رَبَّنَا اِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَاٰخِيَهٗ وَمَلَآئِكَةَ زِيۡنَةً وَاَمْوَالًا فِى الْحَيٰوةِ

«پروردگارا، تو به فرعون و لشراف و سران (قوم) او، زیور و اموالی (سرشمار) در زندگی دنیا داده‌ای.

الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَن سَبِيْلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلٰى اَمْوَالِهِمْ

پروردگارا، نتیجه‌ی (بخشش تو) این شد که (بندگانت را) از راه تو گمراه می‌کنند. پروردگارا، اموالشان را

وَ اَشۡدُدْ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتّٰى يَرُوْا الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ ﴿٨٨﴾

نابود کن و دل‌هایشان را سنگ کن که تا زمانی که عذاب دردناک را نبینند، ایمان نیاورند.» ۸۸

۸۳. جوانان؛ پیشگامان ایمان: همان‌طور که در صفحه‌ی پیش گفته شد، خدای بزرگ از نقل داستان‌های برخی از اقوام گذشته در کتاب مقدس خود، اهداف مهمی در نظر داشته، و بخش‌هایی از آن سرگذشت‌ها که گلچین شده، حاوی مطالب کلیدی و مهمی‌ست که برای هدایت کسانی که پس از آن‌ها پا به جهان می‌گذارند، مفید است. بر اساس این آیه، نخستین گروهی که به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام ایمان آوردند، «جوانان» بنی‌اسرائیل بودند. اگرچه این نکته در این آیه سربسته و کوتاه آمده است، به حقیقت مهمی اشاره می‌کند، و آن، تأثیرپذیری بیشتر جوانان از حق و حقیقت، نسبت به افراد دیگر است.

آری، مطالعه‌ی تاریخ از يك سو و بررسی‌های روان‌شناختی انسان از سوی دیگر به‌روشنی گواهی می‌دهد که جوانان بیش از هر قشر دیگر در برابر حق تسلیم می‌شوند و نقش مهمی در تحوّل‌های اجتماعی و انقلاب‌ها و مبارزه‌ی با ظلم دارند. از همین رو در تعلیمات اسلام، تأکید فراوانی بر توجه به این قشر بانشاط و سرزنده شده است. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «شما را به جوان‌ها سفارش می‌کنم؛ زیرا آنان دل‌نرم‌تر [از دیگران] هستند. خداوند مرا بشارت‌دهنده [به نعمت‌هایش] و بیم‌دهنده [از عذاب‌هایش، به سوی مردم] فرستاد و پس از آن، جوانان [به من ایمان آوردند و] پیمان بستند که از من حمایت کنند؛ ولی پیران با من مخالفت کردند.» در روایت دیگری می‌خوانیم که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به یکی از شیعیان خود که به شهر بصره رفته بود، فرمود: «به نظر تو، استقبال مردم آن شهر از پذیرش امامت و ولایت ما چگونه است؟» او عرض کرد: «به خدا سوگند، اندکی از آنان استقبال می‌کنند، و البته اعتقاد همان مقدار کم نیز ضعیف است.» حضرت فرمود: «به جوانان توجه کن؛ زیرا آنان به هر کار خوبی زودتر می‌شتابند.» پیشوای نخست ما شیعیان، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده است: «دل و جان جوان، همچون زمین حاصل‌خیزی‌ست که هنوز چیزی در آن کاشته نشده است، و هر بذری در آن پاشیده شود، آن را می‌پذیرد و می‌رویاند.»

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمْ فَاستَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ

(خدا) فرمود: «به یقین دعای شما اجابت شد. بنابراین (بر عقیده‌تان) پایدار باشید و از راه نادانان

لَا يَعْلَمُونَ ﴿۸۹﴾ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ

پیروی نکنید.» ۸۹ (سرانجام) بنی‌اسرائیل را از (راه) دریا عبور دادیم، و فرعون و لشکرانش از روی ستم

فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغِيًّا وَعَدَوْا حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ

و سرکشی تعقیب‌شان کردند. پس هنگامی که در آستانه‌ی غرق شدن قرار گرفت، گفت: «ایمان آوردم که

قَالَ ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَامَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ

حقیقت این است که هیچ‌خدایی جز همان (خدایی) که بنی‌اسرائیل به او ایمان آوردند، وجود ندارد، و

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۹۰﴾ ءَأَلْتَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ

من از تسلیم‌شدگان هستم.» ۹۰ (به او گفته شد): «اکنون؟! در حالی که پیشتر (فرصتی طولانی داشتی):

مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۹۱﴾ فَالْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ

ولی) نافرمانی می‌کردی و از فسادگران بودی. ۹۱ امروز، جسم (بی‌جان) تو را نجات می‌دهیم تا عبرتی

خَلْفَكَ ءَايَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ ءَايَتِنَا لَغٰفِلُونَ ﴿۹۲﴾

برای آیندگانست شوی. (آری!) یقیناً بسیاری از مردم، از آیات و نشانه‌های ما بی‌خبرند.» ۹۲

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبَٰوِءَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

به راستی بنی‌اسرائیل را در جایگاهی شایسته جای دادیم و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی کردیم. آنان، تنها پس

فَمَا اختلفوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ

از آن که دانش و آگاهی (از دین حق) برایشان حاصل شد، به اختلاف افتادند. پروردگارت در روز قیامت، در

الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۹۳﴾ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا

پلوهی آنچه همواره در آن اختلاف داشتند، دآوری خواهد کرد. ۹۳ اگر در (حقانیت) آنچه به تو نازل

أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسَلِّ الَّذِينَ يَقْرءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ

کردیم، تردید داری، از کسانی که پیش از تو کتاب (آسمانی) را می‌خواندند، سؤال کن. بدون شک، حق از

جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿۹۴﴾

جانب پروردگارت برایت آمده است. بنابراین به هیچ وجه تردید نکن. ۹۴ و به هیچ وجه از

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِءَايَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخٰسِرِينَ

کسانی مباش که آیات خدا را دروغ شمرند؛ که از زیان‌کاران خواهی شد؛ ۹۵ کسانی که سخن

﴿۹۵﴾ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

پروردگارت (مبنی بر مجازات تکذیب‌گران)، در مورد آنان (نیز) لازم شده است، هر چند هر نشانه و معجزه‌ای برایشان

﴿۹۶﴾ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْآلِيمَ ﴿۹۷﴾

بیایند، ایمان نمی‌آورند تا این که عذاب دردناک را ببینند، (و آن زمان دیگر ایمان‌شان نفعی نخواهد داشت). ۹۶ و ۹۷

۹۴. آیا پیامبر ﷺ تردید داشت؟ ممکن است پس از خواندن این آیه، این سؤال برایمان پیش بیاید که مگر پیامبر خدا در حَقانیت قرآن شك داشت؛ پس چرا خدا به او فرموده است: «اگر در [آسمانی بودن] آنچه بر تو نازل کرده‌ایم، تردید داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می‌خواندند، سؤال کن.»؟! آیا امکان دارد که پیامبر ﷺ در رسالت خود شك داشته باشد؟ آیا می‌توان سخن پیامبری را پذیرفت که برای اثبات حَقانیت خویش، از اهل کتاب سؤال می‌کند؟ و مگر پیامبر ﷺ از خطا و اشتباه معصوم نبوده است؛ پس چگونه ممکن است در مهم‌ترین مطلب یعنی ارتباط خود با خدا شك داشته باشد؟ پاسخ این سؤال به ظاهر سخت، به آسانی در نوع سخن گفتن افراد با یکدیگر یافت می‌شود؛ بدین‌صورت که خود ما در بسیاری از اوقات، برای رساندن پیام خود به یک نفر و تأثیرگذاری بیشتر، به شخص دیگری غیر از او خطاب می‌کنیم و البته همه به خوبی می‌فهمند که منظور ما چه کسی است. در زبان فارسی، این ضرب‌المثل برای این‌گونه سخن گفتن به کار می‌رود: «به در می‌گوید که دیوار بشنود».

برای نمونه، خداوند در آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی اسراء به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر گاه یکی از پدر و مادر یا هر دوی آن‌ها که نزد تو هستند، به سنّ پیری برسند، کمترین اهانتی به آن‌ها مکن و بر آن‌ها پرخاش نکن و با احترام با آنان سخن بگو.» روشن است که مخاطب اصلی این آیه، پیامبر ﷺ نبوده است؛ زیرا همه می‌دانیم که آن حضرت پیش از ولادت، پدر خود، و در کودکی، مادرش را از دست داده بود. در آیه‌ی ۱ سوره‌ی طلاق نیز می‌خوانیم: «ای پیامبر، هر گاه خواستید زنان را طلاق بدهید...» می‌دانیم که این دستور مربوط به همه‌ی مسلمانان است و پیامبر ﷺ هیچ‌یک از همسرانشان را طلاق نداد. امام صادق (ع) نیز در سخنی این مطلب را چنین بیان فرموده است: «[بسیاری از آیات] قرآن، بر اساس این مثال نازل شده است: به تو می‌گوییم؛ ولی ای همسایه، تو بشنو.» بنابراین، هنگام روبه‌رو شدن با آیاتی مانند این آیه باید با دقت به تفاسیر معتبر مراجعه کنیم و به سرعت قضاوت نکنیم. مفسران در توضیح این آیه گفته‌اند که اگرچه در آیه به پیامبر ﷺ خطاب شده، مخاطبان حقیقی آیه، کسانی هستند که در نبوت آن حضرت تردید داشتند. قرآن به آنان می‌فرماید که در این صورت، به مسیحیان و یهودیان مراجعه کنند؛ زیرا نشانه‌های پیامبر ﷺ در کتاب‌های آسمانی آن‌ها به روشنی بیان شده بود و آنان به خوبی از حَقانیت آن حضرت آگاهی داشتند.

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ أَمَانَةٌ فَفَنَفَعَهَا إِيْمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ

چرا (اهالی) هیچ شهری (به موقع) ایمان نمی آوردند تا ایمان شان به حال آنان سودمند باشد؟ مگر قوم یونس

لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

که وقتی (به موقع) ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برداشتیم و تا زمانی (معین) آنان

وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٩٨﴾ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ

را (از نعمات دنیوی) بهره مند کردیم. ۹۸ اگر پروردگارت می خواست، قطعاً تمام کسانی

كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٩٩﴾

که در زمین هستند، ایمان می آوردند. آیا تو (می خواهی) مردم را وادار کنی تا مؤمن شوند؟ ۹۹

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ

هر کسی فقط با اجازه ی خدا می تواند ایمان آورد، و (خدا) ناپاکی (و تردید) را بر کسانی که

عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾ قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ

عقل خود را به کار نمی گیرند، قرار می دهد. ۱۰۰ بگو: بنگرید که در آسمان ها و زمین

وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠١﴾

چه چیزهایی ست. (البته) نشانه ها و پیامبران، سودی به حال افراد بی ایمان ندارند. ۱۰۱

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ

آیا فقط در انتظار (اتفاقاتی) شبیه اتفاقات (مصیبت بار) کسانی هستند که پیش از آنان درگذشتند؟

قُلْ فَانظُرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ نُنَجِّي

بگو: منتظر باشید؛ من (نیز) با شما از منتظران خواهم بود. ۱۰۲ آنگاه پیامبران مان و مؤمنان را نجات

رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نَجِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

می بخشیم. مؤمنان (این امت) را (نیز) بدین سان نجات می دهیم، و (این کار) بر ما لازم و قطعی است. ۱۰۳

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ

بگو: ای مردم، اگر در (حقانیت) دین من تردید دارید، (بدانید که من،) کسانی را که

تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَٰكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّعُكُمْ

به جای خدا می پرستید، نمی پرستم؛ بلکه «الله» را می پرستم؛ همو که (جان) شما را می گیرد،

وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٤﴾ وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

و مأمور شده ام که از مؤمنان باشم. ۱۰۴ و این (فرمان به من داده شده) که وجودت

حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٥﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ

را حق گرایانه به این دین متوجه کن و به هیچ وجه از مشرکان مباش. ۱۰۵ و به جای خدا، چیزی را که سود

مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾

و زبانی به تو نمی رساند، نپرست. اگر چنین کردی، در آن صورت، از ستمگران خواهی شد. ۱۰۶

۹۸. فرصت بازگشت: حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح علیه السلام، در سرزمین عراق و در کنار رود دجله، شهری به نام «نینوا» وجود داشت. مردم آن شهر، به بت‌پرستی و گناهان بزرگی آلوده بودند. خداوند برای نجات و هدایت آنان، انسان پاک و شریفی به نام «یونس» را نزدشان فرستاد؛ ولی او هر چه تلاش کرد، نتوانست آنان را از گمراهی نجات دهد؛ زیرا آنان خودشان نمی‌خواستند از خواب غفلت بیدار شوند. به هر حال، پس از سال‌ها تلاش و دعوت مردم به خداپرستی، یونس آنان را نفرین کرد و از خدا خواست که به زودی گرفتار عذاب شوند، و آنگاه از میانشان بیرون رفت. قوم یونس که می‌دانستند پیامبران دروغ نمی‌گویند، پیش از آن‌که مهلتشان به پایان برسد، توبه کردند و به خدا ایمان آوردند. خدا نیز توبه‌ی آنان را پذیرفت و عذابی را که برایشان مقرر کرده بود، برطرف کرد و به آنان تا مدت طبیعی عمرشان، زندگی بخشید. از آیات قرآن کریم فهمیده می‌شود که فرصت ایمان به خدا و توبه به درگاه او، تا قبل از فرا رسیدن مرگ و نزول عذاب الهی‌ست؛ ولی هنگامی که اجل انسان فرا رسد، یا خدای ناکرده عذاب خدا بر او نازل شود، ایمان دیگر سودی به حالش نخواهد داشت.

خداوند در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره‌ی نساء می‌فرماید: «پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی‌ست که از روی نادانی کار بدی را انجام می‌دهند؛ سپس زود توبه می‌کنند... نه برای کسانی که پیوسته کارهای بد انجام می‌دهند و هنگامی که مرگشان فرا می‌رسد، می‌گویند: الآن توبه کردم.» همچنین در آیات ۸۴ و ۸۵ سوره‌ی غافر می‌خوانیم: «هنگامی که [کافران انکارگر] عذاب ما را دیدند، گفتند: هم‌اکنون به خدای یگانه ایمان آوردیم و معبودهایی را که همتای او می‌شمردیم، انکار کردیم؛ ولی هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان دیگر سودی به حالشان نداشت.» البته ایمان آوردن به خدا، نتیجه‌ی بیداری و تسلیم در برابر حق و حقیقت است، و در صورتی که انسان در پذیرش حق لجاجت ورزد، بی‌شک تا آخر عمر به ایمان و توبه موقت نخواهد شد. در آیات ۹۶ و ۹۷ سوره‌ی یونس می‌خوانیم:

«کسانی که [به سبب گناه و لجاجت با حق] مجازات خدا بر آنان قطعی شده، ایمان نمی‌آورند؛ هرچند تمام نشانه‌های خدا سراغشان بیاید؛ تا این‌که عذاب دردناک خدا را با چشمان خود ببینند.» در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام می‌خوانیم: «از عمر باقی‌مانده‌ات برای آباد کردن آخرت بهره ببر و نگو که فردا و پس‌فردا به آخرتم توجه می‌کنم؛ چه این‌که افرادی که پیش از تو بودند، فقط برای آرزوپردازی و امروز و فردا کردن هلاک شدند.»

وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ

اگر خدا به تو گرفتاری و آسبیبی برساند، هیچ کس جز خودش آن را برطرف نخواهد کرد، و اگر خواستار خیر و خوبی بخیر فلا راد لفضلیه یصیب به من یشاء من عبادیه برای تو باشد، هیچ کسی نمی تواند لطف و عنایت او را از تو برگرداند. آن را به هر کس از بندگانش بخواهد، می رساند.

وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۱۰۷﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ

(آری،) اوست که بسیار آمرزنده و مهربان است. ۱۰۷ یگو: ای مردم، به راستی حق و حقیقت از جانب

الْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ

پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر کس که هدایت شود، فقط به سود خودش هدایت شده،

ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿۱۰۸﴾ وَاتَّبِعْ مَا

و هر کس که گمراه شود، فقط به ضرر خودش گمراه شده است. من نگهبان شما نیستم. ۱۰۸ از آنچه

يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿۱۰۹﴾

به تو وحی می شود، پیروی کن و صبر کن تا خدا (میان تو و قومت) داوری کند. او بهترین داور است. ۱۰۹



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الرَّكْتَبِ أَحْكَمَتْ أَيْلَتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿۱﴾

الف، لام، را. (این،) کتابی است که آیاتش استحکام یافته (و) آنگاه از جانب حکیمی آگاه، بخش بخش شده است؛ ۱

الَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿۲﴾ وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا

(با این پیام) که تنها خدا را پرستید. من از جانب او هشداردهنده و مژده دهنده ای برای شما هستم؛ ۲ و این که از پروردگارتان آمرزش

رَبِّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ

بخواهد و به پیشگاه او توبه کنید تا شما را تا پایان زمانی معین، (از نعمات دنیوی) به خوبی بهره مند کند و به هر کسی که بیشتر (از

كُلِّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

دیگران، صفات و اعمال نیکو) دارد، (پاداشی) بیشتر بدهد، و اگر پشت کنید، (بدانید که) من از عذاب روزی بزرگ بر شما می ترسم.

كَبِيرٍ ﴿۳﴾ إِلَىٰ اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۴﴾ أَلَا إِنَّهُمْ

۳ بزرگست شما، تنها به پیشگاه خداست، و او بر هر کاری تواناست. ۴ آگاه باشید که آنان سینه هایشان را به عقب برمی گرداند (و سر

يَتَنَوْنَ صُدُورَهُمْ لَيَسْتَخِفُّوْنَ مِنْهُ الْآحِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ

در گریبان فرو می برند) تا (زمانی که پیامبر قرآن می خواند،) خود را از او مخفی نگه دارند. آگاه باشید آن زمان که لباس هایشان را بر

يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۵﴾

سر می کشند، (خدا) از آنچه پنهان می کنند و آنچه آشکار می کنند، باخبر است؛ زیرا او از (سرا) درون سینه ها به خوبی آگاهی دارد. ۵

۲ و ۳. ارمغان دین برای دنیا و آخرت: دنیا و آخرت، دو مرحله از مراحل زندگی هستند که هر انسانی باید از آن‌ها عبور کند. برخی از افراد ساده‌اندیش خیال می‌کنند که زندگی انسان در دنیا با زندگی او در آخرت هیچ ارتباطی ندارد و سعادت و خوشبختی در هر یک از این دو زندگی، اصول و مقررات کاملاً جداگانه‌ای دارد؛ بنابراین برای راحت دنیا باید بر اساس تفکر دنیاپرستان زندگی کرد، و برای آسایش آخرت، بر اساس راه و رسم دین‌داران! همچنین از لذت‌ها و خوشی‌های دنیا باید به هر نحو ممکن بهره برد، و در کنار آن، گاهی هم با خدا راز و نیاز و نیایش کرد. آنان غافلاند از این‌که دنیا و آخرت، کاملاً به هم مرتبط‌اند، و درست زیستن در دنیا، مایه‌ی زندگی خوب آخرت می‌شود، و سعی و تلاش برای به دست آوردن پاداش‌های آخری نیز باعث به وجود آمدن زندگی مناسب در همین دنیا خواهد شد. این حقیقتی است که قرآن کریم بارها به آن اشاره کرده و بیان فرموده که ایمان و انجام کارهای شایسته، موجب آبادانی دنیا می‌شود، و کفر و گناه، بدبختی و فلاکت در پی می‌آورد.

بر اساس این آیات، پرستش خدای یکتا، پذیرش نبوت پیامبر ﷺ و وعده‌ی او در مورد بهشت و دوزخ، خواستن آموزش و بخشش از خدای مهربان، و بازگشت از اشتباهات و گناهان گذشته، و توبه به درگاه او، علاوه بر نجات و سعادت انسان در آخرت، باعث سعادت و آبادانی دنیای انسان می‌شود و دو لطف بزرگ را در همین جهان برای او ارمغان می‌آورد: نخست، زندگی شیرین و دلچسب همراه با آرامش روحی است ﴿يُمَتِّعُكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا﴾. آرامشی که یاد خدای یکتا در زندگی فردی انسان ایجاد می‌کند، او را از انواع و اقسام ترس‌ها و وحشت‌های بی‌اساس رها کرده، به لطف و یاری منبع علم و قدرت هستی امیدوار می‌کند؛ همچنین به جامعه‌ی انسان‌ها آرامش می‌بخشد و آن را از پلیدی ظلم و ناامنی پاک می‌کند و عدالت و امنیت را برای مردم ارمغان می‌آورد و نعمت‌های خدا را از آسمان و زمین برای دوستان خدا سرازیر می‌کند. دومین لطف دین، برقراری عدالت در جامعه است؛ نعمتی که بشر در هر دوره و زمانی، از نبود آن رنج برده و با تمام وجود، تشنه‌ی آن است. دین، حق هر حق‌داری را به او می‌رساند و به هر کس به اندازه‌ی شایستگی و ارزش او بها می‌دهد ﴿وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ﴾؛ برخلاف جامعه‌های بی‌ایمان که بر اساس امور بیهوده، بین طبقات جامعه فاصله ایجاد می‌کنند، و گروه اندکی به ناحق از بیشترین امکانات جامعه بهره‌مند می‌شود. البته به یاد داشته باشیم که این نعمت‌ها، با دین‌داری حقیقی به دست می‌آید؛ نه ادعای دین‌داری، و اگر ما در بسیاری از کشورهای اسلامی، اثری از ارمغان‌های دین نمی‌یابیم، باید در دین‌داری مردم شک کنیم، نه در حقانیت دینشان.